



امواج آلوده

رصد و تحلیل موضوعی شبهات

شماره ۱۶ | مهرماه ۱۴۰۱

الزام قانونی پوشش شرعی

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات
(حوزه‌های علمی)

درآمد

نخبگان حوزه‌های علمیه و فرهیختگان بصیر جامعه، تبیین معارف اسلام ناب محمدی و آگاه‌سازی جامعه را تکلیف الهی، انسانی و انقلابی خویش می‌دانند و در این زمینه، رصد فضایی فکری، اجتماعی و تبلیغی، شناسایی شبهات، به منظور حضور بهنگام، سریع و قوی در مواجهه با آن ضرورت دارد تا زنگار شبهه از ذهن روان‌همگان زدوده و بر سلامت جامعه افزوده شود. «امواج آلوده» تلاش می‌کند به صورت ماهانه و در قالب پرونده‌های موضوعی، مهم‌ترین شبهات مطرح در فضای فکری جامعه را به همراه عناصر مهم تحلیلی، پاسخ اجمالی، منابع مطالعه و ایده‌هایی برای مقابله ارائه نماید.

در این شماره مهم‌ترین شبهات درباره حجاب و الزام

قانونی پوشش شرعی

تهیه و تنظیم شده است.

گروه شبهه‌شناسی

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات

فهرست

- در اسلام ربا حرام است یا بی حجابی؟! / ۴
- حجاب، به مثابه ایدئولوژی سرکوب! / ۹
- چرا در جمهوری اسلامی ایران «حجاب» مسأله ناموسی شد؟! / ۱۳
- جعل حجاب چادر به عنوان یک نشانه ملی! / ۱۹
- پرسش‌هایی که موافقان حجاب اجباری باید پاسخ دهند! / ۲۳
- داستان حجاب انقلابی! / ۳۰
- حجاب اسلامی و ستمگری دینی علیه زنان! / ۳۶
- ضرورت بازنگری در قانون حجاب / ۴۲
- جهت اطلاع مسؤولان بازنگری قانون عفاف و حجاب / ۴۷
- برخورد متفاوت سید حسن نصرالله با زنان بی حجاب / ۵۷
- نقدی بر قانون حجاب و پوشش زنان / ۶۲
- حجاب اجباری از منظر دانش حقوق / ۶۷

در اسلام ربا حرام است یا بی حجابی؟!

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: حجاب اجباری

شبهه کننده: حسن بهگر

منبع انتشار شبهه: سایت ملیون ایران:

<http://www.melliun.org>

هدف‌های احتمالی: اعتبارزدایی از تدابیر نظام، متهم ساختن نظام به فریبکاری، اعتبارزدایی از حکم وجوب حجاب.

نمایه‌ها: حجاب، ربا، خصوصی سازی، فساد، بخش خصوصی.

متن شبهه

یکی از نمونه‌های شکست جمهوری اسلامی در تطبیق احکام ۱۴۰۰ سال قبل بر شرایط کنونی جهان، مسئله ربا است. حکومت اسلامی برای اجرای بانک اسلامی و نگرفتن بهره و سود، یعنی ربا، نتوانست چاره‌ای بیاندیشد و سرانجام به آن تن داد؛ درحالی که در شریعت اسلام، ربا گناهی بزرگ شمرده می‌شود و تعداد آیه‌های قرآن در حرام بودن ربا، دست کم به ۸ عدد می‌رسد. از احادیث مفصل درباره آن در می‌گذریم (که حتا ربا را بدتر از زنا با محارم گفته‌اند)؛ زیرا قرآن، حدیث و اجماع، هر سه بر اهمیت گناه و حرام دانستن آن متفق‌اند. (آیت الله) خمینی نیز در رساله خود ربا را گناه کبیره شمرده است.

شگفت انگیز اینکه جمهوری اسلامی این فعل حرام را که از نظر قرآن، حدیث و اجماع گناه کبیره شناخته شده و اعلان جنگ با خدا شمرده می‌شود، رها کرده و حتا با پرداخت بهره ۲۴ درصدی، بین بانک‌های ۱۰۵ کشور دنیا، مقام اول را کسب کرده و در عوض حجاب اجباری را چسبیده که در قرآن برای وجوب حجاب و پوشاندن سر

زنان، حتایک آیه نیز نمی‌توان یافت!

حجاب اجباری از بدو تأسیس جمهوری اسلامی با تلاشی پیگیر و تهدید و با پونززدن روسری روی سر زن‌ها، اسیدپاشیدن به صورت آن‌ها و ... نتوانسته، مقاومت زن‌ها را درهم بشکند و بنابه اعتراف بسیاری از سردمداران حکومتی و ملایان، با شکست روبرو شده است.

جمهوری اسلامی از پاسخ به این پرسش، مثل بسیاری پرسش‌های دیگر، عاجز است که چرا حکم صریح قرآن را نادیده گرفته و در عوض برای حجاب اجباری، که از محرمات دینی هم نیست، این همه نیرو و بودجه صرف کرده و آن را این طور سفت و سخت چسبیده که به جز نارضایتی مردم نتیجه‌ای نداده است؟! نادیده گرفتن حکم اسلامی ربا و علم کردن حجاب برای چیست؟

سبب را باید در سود و بهره‌ای که به جیب ملایان و در رأس آن به جیب رهبری، سرازیر می‌شود، جستجو کرد و آن تغییر اصل ۴۴ قانون اساسی به دستور (آیت الله) علی خامنه‌ای است.

اما در تیرماه ۱۳۸۵، (آیت الله) سید علی خامنه‌ای طی تفسیری جدید بر اصل ۴۴ قانون اساسی دولت را موظف نمود تا ۸۰ درصد از سهام بخش‌های دولتی را به بخش خصوصی حکومتی واگذار کند. برای اینکه نمونه‌ای از این بانک‌های حکومتی را نشان بدهیم، شاید بانک حکمت ایرانیان نمونه خوبی باشد. این بانک به دستور (آیت الله) علی خامنه‌ای از ۱۴ شرکت خصوصی دولتی و نهادهای دولتی نیروهای مسلح ایران تشکیل شده است که هرکدام سهمی دارند و در نهایت به بیت رهبری ختم می‌شود.

حکومتی که فقط عنوان اسلامی را یدک می‌کشد، در اجرای قوانین اصلی اسلام، که شعار خود کرده است، دو شرط را مدّ نظر دارد: یکی اینکه اجرای این قوانین چه اندازه سود مادی برایش به ارمغان می‌آورد و دیگر اینکه

چه مقدار می‌تواند از آن‌ها بهره‌برداری ایدئولوژیک کند. این‌ها معیار و شیوه اصلی عمل این حکومت است، نه قواعد اسلام!

پیشنهادها

■ پاسخ‌اجمالی:

۱. از منظر مبانی اسلام و منطق عقلانی، لزوم رعایت برخی از قوانین بر رعایت قوانین دیگر متوقف نیست؛ مگر آنکه از منظر حقوق، نوعی رابطه علی-معلولی میان آن قوانین حاکم باشد. اینکه چون احکام معاملات ربوی در جمهوری اسلامی به درستی و کمال رعایت نمی‌شود، پس احکام مربوط به تنظیم روابط زن و مرد و پوشش آقایان و بانوان نیز نباید رعایت شود، نوعی ساده‌انگاری یا غرض‌ورزی است. این تفکر به این می‌ماند که گفته شود چون در جامعه، مسائل بهداشتی لازم و مطلوب برای جلوگیری از سرطان رعایت نمی‌شود، پس لازم نیست از دستورالعمل‌های بهداشتی مربوط به بیماری آنفلانزا پیروی شود!

۲. مراجع معظم تقلید، فقها و جامعه دینداران، که اکثریت جامعه امروز ایران را تشکیل می‌دهند، همواره نگرانی و انتظارات خود درباره رعایت مطلوب قانون بانکداری بدون ربا و قانون حجاب اسلامی و دیگر قوانین شرعی را بیان و مطالبه کرده‌اند.

۳. قانون پوشش و دیگر قوانین اسلامی درباره تنظیم روابط زن و مرد، به سود جامعه و مانع ناامنی بانوان و موجب کاهش مزاحمت‌های جنسی است. برخلاف تبلیغات به ظاهر آزادی‌خواهانه و مدافع زنان در نكوهش قوانین مربوط به پوشش و روابط زن و مرد، این قوانین به آرامش روانی جامعه، تکریم بانوان، هدایت انرژی‌های روانی در محیط عمومی به سمت کار مفید، پیشرفت مادی و معنوی و کاهش آسیب‌های اجتماعی کمک می‌کند. رعایت نکردن پوشش شرعی علاوه بر اینکه خود رفتاری نابهنجار است، زمینه و عاملی

برای رفتارهای نابهنجار دیگر هم به شمار می‌رود.
۴. برخورد های خشن و غیرمحرمانه با خانم های بدپوشش، مانند زدن، اسیدپاشی، دشنام و غیره، ممکن است از سوی برخی از افراد تندرو و یا بیمار صورت گرفته و یا توطئه ای برای بدنام ساختن دینداران باشد. در هر صورت نظام حقوقی و سیاسی جمهوری اسلامی هرگز از چنین رفتارهایی با شهروندان خود دفاع نکرده و در مواردی که جرم چنین افرادی اثبات شده، با اشد مجازات برخورد کرده است.

۵. بی‌اعتنایی به قانون در جامعه، به هربهانه‌ای، موجب بی‌ثباتی، هرج و مرج و از دست رفتن خیر عمومی است. حتی اگر یک قانون، خوب نباشد، مادامی که قانون است، رعایت آن بر بی‌قانونی رجحان دارد. رعایت قانون، موجب امنیت، نظم، پیشرفت و آبادانی کشور است.

۶. آنچه در این شبهه و شبهات همسو درباره سوءاستفاده‌های نهادهای مختلف از مواهب طبیعی و فرصت‌های تجاری و اقتصادی کشور مطرح می‌شود، بیش‌تر جنبه تبلیغات علیه نظام اسلامی دارد. اگر کسانی ادعا دارند که چنین مواردی وجود دارد، باید به صورت قانونی و از مجاری قضایی اقدام کنند. دستمایه کردن برخی از اتفاقات ناخوشایند از تخلفات مالی شخصی و سازمانی، هرگز دلیل مقبولی برای تأیید رواج مفاسد دیگر نیست!

■ منابع جهت مطالعه بیش‌تر:

کریمی، حمید، سرّ مستور (نگاهی به مسئله پوشش زن و استعمار)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۸.
یوسفی، احمدعلی، ربا و تورم، تألیف، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه و انتشار پادکست، عکس‌نوشت و موشن‌گرافی‌هایی درباره حکمت‌های فردی و اجتماعی حجاب بانوان، تهیه

مستندهایی از تجارب زیسته بانوان با حجاب، به ویژه کسانی که دوره‌ای از بی‌حجابی را تجربه کرده‌اند، تهیه مقالات پژوهشی و ترویجی درباره آثار حجاب بر کاهش جرم‌های جنسی، خصوصا با رویکرد تطبیقی میان ایران و جوامع غربی.

حجاب، به مثابه ایدئولوژی سرکوب!

شناسه شبهه

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: فلسفه حجاب

شبهه‌کننده: پیمان عارف

منبع انتشار شبهه: سایت ایران گلوبال

<http://www.iranglobal.info>

هدف‌های احتمالی: اعتبارزدایی از حکم حجاب،

تحریف فلسفه حجاب، متهم ساختن نظام به

دیکتاتوری و فریب.

نمایه‌ها: حجاب، مردسالاری، فقه شیعه،

تمامیت‌خواهی، نظام اسلامی.

متن شبهه

۱. اسلامگرایان ایرانی پیش از آنکه قدرت سیاسی را در سه مرحله ۲۲ بهمن ۵۷، ۱۳ آبان ۵۸ و ۳۰ خرداد ۶۰، به طور کامل در اختیار خود گیرند، حتی پیش از پیروزی انقلاب و در جریان تظاهرات‌های منجر به پیروزی نیز، نشان داده بودند که از ذهنیتی ایدئولوژیک و تمامیت‌خواه برخوردارند و نه تنها با گرایش سیاسی شهروندان، بلکه با خصوصی‌ترین شئون زیست فردی ایشان، چون نحوه لباس پوشیدن و روابط با جنس مخالف، نیز کار خواهند داشت!

۲. این مداخله تمامیت‌خواهانه در زیست شهروندان از ایدئولوژی متکی بر فقه تمامیت‌خواه شیعه نشأت می‌گرفت، که مدعی است برای تمام شئون بشری، از نحوه آمیزش و تولید مثل آدمیان تا چگونگی قضای حاجت‌شان "حکم" دارد!

۳. ایدئولوژی جهنمی جمهوری اسلامی، بیش از هرچیز، حاصل نکاح موقت ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم با فقه شیعه است. بدین سان، نظامی گفتمانی و

آنگاه سیاسی را پدید آورده که قرار بود تمام آدمیان را یکسان‌سازی و فردیت‌زدایی کرده و به "انسان طراز فقه" تبدیل سازد. طرازش را از ایدئولوژی شیطانی مارکسیسم گرفته و محتوای فقه‌ای در آن تنیده، تا همه چیز برای افزودن مؤلفه "اخری‌سازی" یک ایدئولوژی به غایت خوفناک پدید آید!

در فهم نمادین ایدئولوژی مسلط، دیگر روی سر زن، تنها روی سر زن نیست و حکایت از روی سر جامعه دارد که اگر گشوده شود و سرها از زیرش افراخته شوند، دیگر پایه‌های سرکوب و ایدئولوژی مشروعیت‌بخش آن، سست خواهد شد و شهروندان سر به نافرمانی خواهند افراشت.

در ایدئولوژی ولایت، روسری تنها دال حجاب نیست؛ دال کلانی است که سرها را سر به زیر می‌کند!

پیشنهاد ها

■ پاسخ‌اجمالی:

۱. رعایت نکردن پوشش شرعی در انظار عمومی و بی‌انضباطی در روابط زن و مرد، به حوزه حقوق عمومی ارتباط داشته و از این رو قانونگذاری و سیاستگذاری در این حوزه را نمی‌توان دخالت در زندگی خصوصی افراد معرفی کرد؛ آنچنانکه در همه کشورها و جوامع برای پوشش در محیط عمومی، چارچوب‌ها و قواعدی وجود دارد.

۲. بر اساس مبانی و احکام فقهی و قانون جزایی جمهوری اسلامی، تا زمانی که پوشش غیرشرعی و روابط نامشروع زن و مرد پنهان بوده و به ساحت عمومی جامعه کشیده نشود، از سوی حکومت برخورد قانونی و قضایی نخواهد شد. جمهوری اسلامی به حریم خصوصی افراد احترام گذاشته و آزادی شهروندان در حیطه خصوصی زندگی را به رسمیت شناخته است.

۳. رعایت نکردن احکام و مقررات مربوط به پوشش و روابط زن و مرد، بیش از همه امنیت خود بانوان را

(اعم از مخالفان حجاب و موافقان حجاب) به مخاطره انداخته و فضای عمومی را برای زیست محترمانه، امن و پیراسته از نگاه و رفتار جنسی به بانوان محدود می‌سازد.

۴. همه نظام‌های حقوقی بر پایه محدودسازی آزادی‌های انسان‌ها شکل گرفته و اساساً اثبات هر حق برای فرد یا گروهی، مستلزم اثبات محدودیت برای فرد و گروه دیگری است. آری! دامنه حقوق و تکالیف در هر جامعه با فرهنگ، سنت، زیست اجتماعی، مختصات مردم‌شناختی و منافع ملی آن جامعه ارتباط دارد؛ از این رو نظام‌های حقوقی در جوامع مختلف، با وجود اشتراکات، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای هم دارند. همه نظام‌های حقوقی موجود دنیا محدودیت‌هایی را برای پوشش افراد و روابط زن و مرد در نظر گرفته‌اند. احکام فردی و اجتماعی مربوط به پوشش و تنظیم روابط زن و مرد، به فقه شیعه اختصاص نداشته و در فقه اهل سنت نیز وجود دارد.

۵. مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلامی و نیز مبانی، روش و مدارک اجتهاد در فقه شیعه به خوبی روشن و ضمن وجود شباهت‌هایی، با همه مکاتب و مذاهب فلسفی، کلامی و فقهی دیگر، مرزبندی و تمایز روشنی دارد. از این رو نمی‌توان از وجود برخی شباهت‌های ظاهری میان آموزه‌های فقه شیعه و برخی از مکاتب فلسفی - اجتماعی مثل مارکسیسم و غیره، فقه شیعه را به تأثیرپذیری از آن متهم کرد. فقه شیعه یک مکتب کهن حقوقی با سابقه بیش از ۱۰۰۰ ساله است و ریشه‌های عمیق تاریخی و علمی دارد؛ در حالی که مکاتب فلسفی - اجتماعی مدرن، در چند قرن اخیر پدید آمده است!

■ منابع جهت مطالعه بیشتر:

غلامی، علی، مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران (بررسی حقوقی - جامعه‌شناختی)، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

ایروانی، جواد، حجاب اجباری آری یا نه؟ تحلیل قرآنی -
روایی حجاب شرعی و الزام حکومتی آن، دانشگاه علوم
اسلامی رضوی، ۱۳۹۹.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه و انتشار پادکست، عکس‌نوشت و
موشن‌گرافی‌هایی درباره حکمت‌های فردی و اجتماعی
حجاب بانوان، تهیه مستندهایی از تجارب زیسته بانوان
با حجاب، به ویژه کسانی که دوره‌ای از بی‌حجابی را تجربه
کرده‌اند، تهیه مقالات پژوهشی و ترویجی درباره آثار
حجاب بر کاهش جرم‌های جنسی، خصوصا با رویکرد
تطبیقی میان ایران و جوامع غربی، نگارش و معرفی و
مقالات و کتاب‌هایی درباره نقد مکاتب و نظریه‌های
فمینیستی برای جوانان.

چرا در جمهوری اسلامی ایران «حجاب» مسئله ناموسی شد؟

شناسه شبهه

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: فلسفه حجاب

شبهه‌کننده: حسن فرشتیان

منبع انتشار شبهه: سایت زیتون

<http://zeitoons.com>

هدف‌های احتمالی: اعتبارزدایی از حکم

اجتماعی حجاب، تحریف فلسفه حجاب،

متهم ساختن نظام به سوء استفاده از حکم

حجاب، نشان دادن ناکارآمدی نظام.

نمایه‌ها: حجاب، ناکارآمدی نظام، جمهوری

اسلامی، فلسفه حجاب.

متن شبهه

اما چرا جمهوری اسلامی مصرانه بر اجبار حجاب پافشاری می‌کند؟ و چرا حجاب اجباری را «خط قرمز» و بسان «امری ناموسی» برای بقای خویش تلقی می‌کند؟ علل آن این است:

اول: ناکامی در اسلامی‌سازی کشور

حاکمان کنونی جمهوری اسلامی، به نام «اسلام» و با شعار پیاده کردن قوانین و مقررات اسلامی، رهبری کشور را اندک اندک به دست گرفتند. اسلامی‌سازی محتوا امر مشکل و پیچیده‌ای بود، ولی اسلامی‌سازی ظواهر و توجه به شعائر، امر آسان‌تری به نظر می‌رسید. از این رو به نسبتی که اهرم‌های قدرت را در اختیار داشتند، به اسلامی‌سازی ظواهر پرداختند.

اسلامی‌سازی مظاهر هم در بسیاری از جنبه‌ها با مشکلات عدیده مواجه و گاهی با منافع حکمرانان در تعارض قرار می‌گرفت؛ به عنوان نمونه، در اقتصاد اسلامی مورد نظر آنان، ربا حرام بود. با حذف ربا در سیستم بانکی، با مشکلات اقتصادی قابل توجهی

مواجه شدند. نیز در نبرد فقر و غنای مورد نظر اسلام، ناتوان بودند.

اما در پوشش مشهور به حجاب اسلامی، با مشکل قابل توجهی برخورد نکردند. برخی از زنان، داوطلبانه به حجاب مورد نظرشان روی آوردند. برخی نیز برای محروم نشدن از مزایای اجتماعی و سیاسی، به استقبال این پوشش رفتند.

دوم: حجاب اسلامی بسان نماد اسلامی بودن کشور پس از ناکامی در اسلامی سازی سایر جنبه های کشور، با شدت تمام به حجاب به مثابه «مظهر اسلامیت نظام»، متمسک شدند. بسیاری از مسلمانان خارجی متعصب به شعائر اسلامی و وفادار به نظام جمهوری اسلامی، هنگامی که به ایران سفر می کنند، در بازگشت، تنها نکته ای که به عنوان مظهر اسلامیت جمهوری اسلامی بیان می کنند، همین حجاب اجباری است. برخی از آنان، از این نکته به نیکی یاد می کنند و این را رمز و نشانه توفیق نظام جمهوری اسلامی می دانند که در ایران بی حجاب مشاهده نکرده اند.

سوم: مرادف بودن حجاب و عفت و بی حجابی و فحشا در ذهنیت حاکمان جمهوری اسلامی

چهارم: حفظ بدنه سنتی هواداران

حاکمیت ناکارآمد می بایستی حداقل برای هواداران سنتی خویش، دستاوردی ملموس و عینی ارائه دهد تا پرچم اسلامیت نظام را همچنان برافراشته نگاه دارد. او به هواداری بخش های سنتی «نابرخوردار از مواهب حکومت» نیز نیازمند بود. به این بخش های سنتی نابرخوردار می توانست نشان دهد که اگر با برپایی حکومت اسلامی، عدل علی پیاده نشد و شما همچنان محروم و حاشیه نشین اید، اما دلتان خوش باشد که حکومت اسلامی بی حجابی علنی را از کشور ریشه کن کرده است.

پنجم: توافق نانوشته با شهروندان

ضعف حکومت در کنترل و تأثیر بر سبک زندگی مردم

در حریم خصوصی، موجب تشدید کنترل‌ها در حریم عمومی شده است.

ششم: گسترش سلطه اجتماعی

حکومت حتا سلطه خویش به عنوان نظام حاکم بر کارمندان و مواجب بگیران خویش را از دست داده است. ناکارآمدی، ارتشا، رانت خواری، پارتی بازی و.... به گونه‌ای غیرقابل کنترل شده است. گویا حاکمیت بخش‌هایی از سیستم اداری و قضایی کشور را به حال خویش رها کرده، اما یک جایی می‌بایستی سلطه و اقتدار خود بر جامعه را نشان دهد و گاه گاهی مانور قدرتی بدهد تا نشان دهد که حضور دارد و حضورش مقتدرانه و آمرانه است. اجبار به حجاب، و یکسان‌سازی پوشش روسری و حجاب مرسوم کنونی، می‌تواند به عنوان، یکی از بزنگاه‌های آشکار بروز سلطه و اقتدار حاکمیت تلقی شود!

پیشنهاد ها

■ پاسخ اجمالی:

۱. وجوب شرعی رعایت پوشش برای بانوان مسلمان در برابر مردان نامحرم، به ادله قرآنی و روایی مستند است. حکومت اسلامی در چارچوب وظایف اصلی خود در اجرای قوانین و حدود شرعی و حفظ عفت عمومی، موظف است تا شهروندان را به رعایت احکام شرعی در محیط عمومی الزام کند. حتی اگر پوشش شرعی واجب هم نبوده و از جمله مباحات باشد، حکومت اسلامی برای تنظیم روابط شهروندان و با هدف رعایت مصالح و منافع عمومی، می‌تواند رعایت پوشش در ساحت عمومی را الزامی و بی‌پوششی را جرم‌انگاری کند.

۲. ضرورت رعایت پوشش شرعی در انظار عمومی، علاوه بر اینکه حکم شرعی است، در متن قانون نیز با صراحت بیان شده و رعایت آن بر عموم شهروندان لازم است.

۳. یکی از مبانی حکم الزام پوشش در محیط عمومی

آن است که انجام هرگناه در انظار عمومی، خودگناهی اجتماعی است و شرعا قابل تعزیر است (التعزیر لکل امر حرام و او لکل محرم). همچنین بر مبنای اصل قانونی بودن جرم و مجازات، قانونگذار از پیش اعلام کرده که در صورت ارتکاب علنی عمل حرام، مجازات تعزیری اعمال خواهد شد. بر همین مبنا ماده ۶۳۸ برای ارتکاب علنی همه گناهان در انظار عمومی، کیفری نسبتا سنگین در نظر گرفته است.

۴. رعایت نکردن پوشش شرعی در انظار عمومی، مصداقی از ارتکاب حرام به صورت علنی است. با این وجود به جهت ملاحظات، در تبصره ماده یاد شده، مجازاتی نسبتا سبکتر برای بی پوششی در انظار عمومی در نظر گرفته شده است؛ فارغ از آنکه مرتکب، چه دین یا مذهبی داشته باشد. اقلیت های دینی و مذهبی هم حتی اگر از منظر دین و مذهب شان به رعایت پوشش ملزم نباشند، بر اساس قانون «ذمه» و تعهد دوطرفه با حکومت اسلامی، به رعایت هنجارها، ارزش ها و شئون اسلامی در محیط عمومی ملزم اند.

۵. رعایت پوشش توسط بانوان علاوه بر آنکه نشانه احترام به مقررات دینی و قوانین جاری کشور است، به امنیت بانوان و گسترش عفاف کمک شایانی خواهد کرد. با این حال به هیچ وجه لباس متحد الشکلی برای حجاب بانوان تعیین نشده و بانوان در نوع و رنگ پوشش آزاداند. به همین سبب، در هر منطقه و همچنین در فرهنگ های گوناگون، تنوع آشکاری در طرح و رنگ لباس خانم ها به چشم می خورد؛ آنچه رعایت آن لازم است، پوشش تمام بدن جز گردی صورت و دست ها تا مچ است، اما اینکه چه لباسی، با چه طرح و رنگی بپوشند، به سلیقه خود بانوان گذاشته شده است.

۶. برخلاف نظر شبهه کننده، پوشش بانوان، برخاسته از فرهنگ مردسالار و صرفا روشی برای کنترل و محدود سازی زنان نیست؛ «حجاب زنان بیش از هر چیز،

نوعی راهبرد اقتدارطلبانه زنان در برابر نفوذ و کنترل مردان بر بدن خودشان است». بانوان بی‌پوشش شرعی، بیش از آنکه خود بر بدن‌شان کنترل داشته باشند، مردان بر بدن‌شان کنترل دارند و بهره‌جویی مردان از بدن خود را تسهیل می‌کنند. زنان با پوشش شرعی با رعایت پوشش مناسب، بهره‌جویی از بدن و لذت نامشروع و رایگان از زیبایی‌های خداداد خود را برای مردان بیگانه دشوار می‌کنند. به هیچ روی قابل انکار نیست که بدن زن و زیبایی‌های طبیعی او و لذت‌های بصری، لمسی و تخیلی که می‌تواند برای مردان ایجاد کند، تمایل مرد را به سمت زن تحریک می‌کند. مرد، طالب زن و زیبایی‌ها و لذت‌های نهفته در طبیعت او است. پوشش زن و حریمی که میان خود و مردان از لحاظ پوشش و رفتار ایجاد می‌کند، رفتار مردان را کنترل و تنظیم می‌کند؛ درحالی که «بی‌پوششی، به خصوص اگر همراه با تبرج و نمایشگری باشد، زمینه لذت بصری و تخیلی مرد از بدن زن را به صورت رایگان تسهیل می‌کند». «حجاب، بهترین و نیرومندترین رفتار اقتدارطلبانه زن در برابر مردان است که از عمق انتخاب و اراده معطوف به قدرت زن حکایت می‌کند!»

۷. ایمان حقیقی به خداوند و ارزش‌ها و احکام الهی، امری درونی و قلبی است و از این رو قابلیت الزام و اکراه ندارد؛ ولی رعایت مظاهر اسلامی، چه بر مبانی اهل تسنن و چه بر مبانی شیعیان، ضروری تلقی شده است. بنابراین نمی‌توان اصرار حکومت اسلامی بر ممنوعیت ارتکاب اعمال حرام، از جمله بی‌پوششی در انظار عمومی را با سخنان بدون دلیل محکوم کرد. بانوان ایرانی از دو گروه مسلمان و غیرمسلمان بیرون نیستند. زنان مسلمان، به دلیل پذیرش دین اسلام، موظف‌اند همه احکام آن را، دست کم در محیط عمومی، رعایت کنند. زنان غیرمسلمان نیز به سبب اینکه در «ذمه» حکومت اسلامی‌اند و تعهد دوطرفه، مبنی بر رعایت قوانین دولت اسلامی از طرف آنان و تأمین رفاه و امنیت آنان از

سوی حکومت، برقرار است، می‌بایست قانون جمهوری اسلامی درباره پوشش بانوان را رعایت کنند.

■ منابع جهت مطالعه بیشتر:

مکارم شیرازی، ناصر، تعزیر و گستره آن، تحقیق و تصحیح: علیان نژادی، ابوالقاسم، قم: انتشارات مدرسه الإمام علي بن أبي طالب عليه السلام، چاپ اول، ۱۴۲۵ هـ.ق.

کدخدایی، محمد رضا، بررسی فقهی و حقوقی قاعده التعزیر فی کلّ معصیة، قم: مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ش ۵۴، صص ۹۱-۱۴۲.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه و انتشار پادکست، عکس‌نوشت و موشن‌گرافی‌هایی درباره حکمت‌های فردی و اجتماعی حجاب بانوان، تهیه مستندهایی از تجارب زیسته بانوان با حجاب، به ویژه کسانی که دوره‌ای از بی‌حجابی را تجربه کرده‌اند، تهیه مقالات پژوهشی و ترویجی درباره آثار حجاب بر کاهش جرم‌های جنسی، خصوصاً با رویکرد تطبیقی میان ایران و جوامع غربی.

جعل حجاب چادر به عنوان یک نشانه ملی!

شناسه شبهه

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: حجاب برتر

شبهه کننده: اکبر گنجی

منبع انتشار شبهه: سایت رادیو زمانه

<http://www.radiozamaneh.com>

هدف‌های احتمالی: اعتبارزدایی از خوش‌نیتی

نظام در مقابله با بدحجابی، متهم ساختن رهبری

به جعل و بدعت در دین، تضعیف جایگاه چادر.

نمایه‌ها: حجاب، حجاب برتر، چادر، حجاب قرآنی،

آیت الله خامنه‌ای.

متن شبهه

(آیت الله) علی خامنه‌ای که به رهبری رسید، ایران، ملیت و منافع ملی را به مفاهیمی تبدیل کرد که از آن‌ها بهره بسیاری می‌برد. "الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت" که آیت الله خامنه‌ای به طور جدی از سال ۱۳۹۰ دنبال می‌کرد، یک مصداق این مدعا است. در مورد سیاست خارجی نیز او بارها بر "منافع ملی" تأکید کرده است. آیت الله خامنه‌ای از همان ابتدای رهبری کوشید در ادامه خط آیت الله خمینی، حجاب زنان را به یک مسئله ایرانی - ملی تبدیل سازد که با آن می‌توان در برابر بیگانگان غربی، ایستاد. در ۱۲ مهر ۹۷ در همایش بسیجیان در ورزشگاه آزادی گفت:

"جان کلام من در صحبت امروز عبارت است از: اوّل عظمت ایران، دوّم اقتدار جمهوری اسلامی و سوّم شکست‌ناپذیری ملت ایران".

او پیوسته بر مقولاتی چون ایرانیت، ملیت، عظمت، سرفرازی و ملی‌گرایی تأکید دارد.

(آیت الله) خامنه‌ای درباره چادر سه ادعا دارد: چادر

حجاب ایرانی است، چادر حجاب ملی است و در ۴ اسفند ۱۳۷۷ می‌گوید: "حجاب برتر همین چادر ایرانی خود ما است - حقیقتاً حجاب برتر است؛ هیچ تردیدی در این نباید داشت!"

بنابر این (آیت الله) خامنه‌ای حجاب ملی را از حجاب قرآنی برتر می‌داند: زیرا

اولاً: حجاب قرآنی بسیار کم‌تر از چادر است؛

ثانیاً: در اینکه این حجاب فقط برای زنان پیامبر است یا تمامی زنان، اختلاف نظر وجود دارد؛

ثالثاً: در اینکه واجب و ضروری است یا نه، اختلاف نظر وجود دارد؛

رابعاً: در اینکه این حکم فقط برای صدر اسلام جعل شده یا تمامی زمان‌ها، اختلاف نظر وجود دارد؛

خامساً: حکومت / دولت حق ندارد آن را به زنان با زور تحمیل کند.

با این همه، به اعتقاد فقها، پیامبر، معصوم و دارای علم غیب است که به او وحی می‌شود. حال چگونه اعیان و اشرف ایرانی پیش از اسلام، بهتر از پیامبری با این اوصاف، می‌فهمیدند کدام حجاب، برتر است؟! اگر این مدعا صادق باشد، (آیت الله) خامنه‌ای باید به پیامدهای منطقی آن ملتزم باشد؛ یعنی اعیان و اشرف ایرانی پیش از اسلام در دیگر زمینه‌های زندگی هم بهتر از پیامبر اسلام می‌فهمیدند! به گفته (آیت الله) خامنه‌ای، «حقیقتاً چنین است و شما تردیدی در آن نداشته باشید!»

پیشنهاد ها

■ پاسخ اجمالی:

۱. منظور از ملی بودن چادر و حجاب ایرانی، غیردینی یا غیراسلامی بودن آن نیست؛ بلکه مقصود این است که در کشور ما به سبب فرهنگ ملی و مذهبی، حجاب اسلامی (پوشاندن تمام بدن، جز گردی صورت و دست‌ها تا مچ) با سبک پوشش بانوان ایرانی (چادر)

بهتر محقق می‌شود. نکته قابل توجه اینکه اسلام، حداقل حجاب را برای زنان واجب کرده، ولی از حداکثر آن نهی نکرده است. یقیناً پوشش بیش از حداقل واجب، اگر به عسرو حرج نینجامد، مطلوب اسلام است. چادر، لباسی است که نه تنها حداقل پوشش واجب شرعی را محقق می‌کند، بلکه حداکثر مطلوب پوشش را نیز بهتر از دیگر لباس‌ها فراهم می‌کند. آشنایان با فرهنگ اسلامی به خوبی می‌دانند که در نظام فقهی و اخلاقی اسلام برخی از رفتارها از لحاظ کمی و کیفی واجب و رعایت بیش از آن، مستحب معرفی شده است. بدیهی است که رعایت حدود واجب یک رفتار، برای انجام تکلیف الزامی، کافی است، اما رعایت حدود مستحب همان رفتار، برتر و شایسته‌تر است. مثلاً کسی که از اذان صبح تا غروب یا مغرب، برای رعایت حکم الهی، از مبطلات روزه خودداری کند، تکلیف خود را به انجام رسانده، اما آنکس که علاوه بر این، از گوش، چشم و دل خود نیز مراقبت کرده و محرمات دیگر الهی را هم ترک کرده، روزه برتری دارد؛ هرچند روزه برتر، واجب نشده است!

۲. صرف وجود اختلاف نظر درباره برخی از احکام اسلامی یا قیودات آن‌ها، مجوزی برای بی‌اعتبار نشان دادن همه نظرات یا یکی از نظرات معتبر نیست. مضاف بر اینکه اختلاف نظر فاحش در کمیت و کیفیت پوشش زنان، ناشی از طرح برخی نظرات شاذ و غیردقیق فقهی است که افراد معدودی آن را در برابر نظر معتبر و مشهور فقیهان مطرح کرده و پشتوانه علمی لازم را به همراه ندارد. به عبارت دیگر آنچه در میان فقیهان شیعه و سنی مشهور و معتبر است، لزوم پوشاندن تمام بدن زن، غیراز گردی صورت و دست‌ها تامچ است. خلاف این نظر ممکن است برای خود قائل به آن، اگر مجتهد بوده و با روش صحیح اجتهاد کرده باشد، معتبر و حجت باشد، اما برای زنان مسلمان حجت نیست.

۳. حکومت اسلامی عدم رعایت پوشش در فضای عمومی را به عنوان حرام شرعی ممنوع اعلام کرده و به

همین علت، ارتکاب آن را از نظر حقوقی پیگیری می‌کند؛ به ویژه آنکه ممنوعیت این اقدام در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن به روشنی تبیین شده و این رفتار جرم‌انگاری شده است.

■ معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

کریمی، حمید، سرّ مستور (نگاهی به مسئله پوشش زن و استعمار)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۸.

غلامی، علی، مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران (بررسی حقوقی- جامعه‌شناختی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه و انتشار پادکست، عکس‌نوشت و موشن‌گرافی‌هایی درباره حکمت‌های فردی و اجتماعی پوشش بانوان (به خصوص برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری)، تهیه مستندهایی از تجارب زیسته بانوان با حجاب، به ویژه کسانی که دوره‌ای از بی‌حجابی را تجربه کرده‌اند، تهیه مقالات پژوهشی و ترویجی درباره آثار حجاب بر کاهش جرم‌های جنسی، خصوصا با رویکرد تطبیقی میان ایران و جوامع غربی،

پرسش‌هایی که موافقان حجاب اجباری باید پاسخ دهند!

شناسه شبهه

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: حجاب اجباری

شبهه کننده: محمدرضا جلائی پور

منبع انتشار شبهه: پایگاه خبری و تحلیلی انصاف:

<http://www.ensafnews.com>

هدف‌های احتمالی: اعتبارزدایی از قانونیت حجاب،

القای ناکارآمدی طرح‌های قانونی حجاب، إلقاء

توهم اکثریت مخالفان اجبار حجاب.

نمایه‌ها: حجاب، حجاب اجباری، مخالفان

حجاب، موافقان حجاب.

متن شبهه

۱. بر اساس نظرسنجی‌های معتبر داخلی، از چند سال پیش، بیش از ۵۰ درصد کل شهروندان ایران (اعم از مذهبی و غیرمذهبی و محجبه و غیرمحجبه) و بیش از ۷۵ درصد کل شهروندان تهران و شهرهای بزرگی مثل شیراز، مخالف اجبار حجابند. چند درصد از هم‌وطنان تان مخالف اجبار بشوند، دست از اجبار می‌کشید؟!

۲. تحمیل قانونی، که اکثر شهروندان، مخالف اجرای آن‌اند و به نحو روزافزون و گسترده‌ای در برابر اجرای آن مقاومت و نافرمانی می‌کنند، ناقض اصول و فلسفه قانون‌نویسی خادم «حاکمیت قانون» نیست؟! قانونی که در این سطح گسترده، شکسته می‌شود، می‌تواند قانون خوبی باشد؟! وضع چنین قانونی، حرمت قانون و قبح قانون شکنی را نمی‌شکند؟!

۳. حتی اگر موافقان اجبار حجاب، در اکثریت بودند (که دیگر نیستند)، بر اساس چه استدلالی، نقض حقوق و آزادی‌های اساسی کسانی که نمی‌خواهند حجاب داشته باشند را موجه می‌دانید؟ فرضاً اگر استدلالی

دارید توجه دارید که با همان استدلال در جوامعی که مسلمانان اکثریت نیستند، هم حجاب می‌تواند ممنوع و حقوق و آزادی‌های اساسی مسلمانان نقض شود؟ ۴. حتی اگر هیچ اختلاف نظر فقهی درباره حدود حجاب شرعی نبود (که می‌دانیم هست) و حتی اگر رعایت نکردن حجاب در فقه سنتی تعزیر داشت (که می‌دانیم ندارد و حتی در حکومت پیامبر هم تحمیل نمی‌شده و مجازاتی نداشته است)، طبق چه استدلالی، ایرانیان مسلمانی که پیرو فقه مورد پسند شما نیستند و ایرانیانی که اساساً مذهبی یا مسلمان نیستند و حتی توریست‌های غیرایرانی، باید با الزام قانونی از فقه مورد پسند شما پیروی کنند؟ اساساً پیروی اجباری از فقه چه ارزش مؤننه‌ای دارد؟

۵. آیا برآوردی از میزان خشم و نارضایتی‌ای که هربار جریمه یا توقیف خودرو برای افتادن روسری یا برخوردهای گشت ارشاد در بخش فزاینده‌ای از خانواده‌های ایرانی ایجاد می‌کند دارید؟ در چه شرایطی می‌پذیرید که برخورد قهرآمیز و گشت ارشادی، شکست خورده و حتی نتیجه عکس داشته است؟

۶. آیا برآوردی از هزینه‌های سهمگین اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این برخوردهای چنددهه‌ای نارضایتی‌افزا و خشم‌پرور و تأثیرش در فاصله‌گیری عاطفی بخش روزافزونی از جمعیت از دین و تعلق ملی و افزایش میل به مهاجرت، مهاجرت سرمایه‌های علمی و اقتصادی، کاهش مشارکت و همبستگی و امید اجتماعی و افزایش احتمال اعتراض خشم‌ناک دارید؟

۷. در شرایطی که کشور اسیر ابربحران‌های پرشمار و هم‌افزا شده، نارضایتی ناشی از تحریم‌ها و سوءحکمرانی اقتصادی و سیاسی و نابرابری‌ها به حد بی‌سابقه‌ای رسیده و ائتلاف اسرائیل و اعراب و ترکیه در حال تقویت برای صف‌آرایی در برابر ایران است، چطور به جای کاهش فشارهای اجتماعی و نارضایتی برآمده از تحمیل سبک زندگی، دقیقاً در مسیر عکس حرکت

می‌کنید و در حوزه فرهنگ و هنر و آزادی‌های اجتماعی هم به سمت افزایش فشار به جامعه پیش می‌روید؟ از انباشت این همه نارضایتی و نفرت نمی‌ترسید؟! چطور نیازی به ایجاد گشایش بیش‌تر حس نمی‌کنید؟

۸. آیا در میان اعضای خانواده و شبکه روابط نزدیک‌تان هیچ زنی که به حجاب و پوشش محافظه‌کارانه باور و به آن التزام ندارد، نمی‌شناسید؟ وقتی در فضاهای خصوصی، دیگر امکان تحمیل حجاب محافظه‌کارانه به این اعضای خانواده و دوستان‌تان را ندارید، چطور فکر می‌کنید در فضای عمومی، تداوم اجبار تا سال‌ها ممکن است؟

۹. بر اساس نظرسنجی‌های معتبر داخلی بیش از ۸۰ درصد زنان هنرمند، نویسنده، پژوهشگر، مدیر بنگاه و سمن، تحصیل‌کردگان بیش از فوق‌لیسانس و دانشجویان دهه‌هشتادی، حجاب سخت‌گیرانه مورد پسند شما و حراست نهادهای عمومی و شورای نگهبان و صداوسیما را ندارند و رویه‌های پرتبعیض استخدام و ارتقا در نهادهای حکمرانی و نمایندگی موجب شده است این نهادها از خدمات اکثریت تواناترین سرمایه‌های انسانی زنان ایران محروم شوند. چه توجیه اخلاقی و حتی شرعی برای محروم ماندن نهادهای حکمرانی از توان بخش فزاینده‌ای از زنان توانای ایرانی دارید؟

۱۰. نقطه پذیرش شکست سیاست اجبار حجاب و تجدیدنظر در آن توسط شما دقیقا کجاست؟ «دقیقا» کجا؟ اساسا چنین نقطه پذیرش شکستی دارید یا هیچ میزان هزینه از منابع عمومی و منافع و مصالح ملی و هیچ حدی از نارضایتی عمومی و هیچ میزان استدلال و شواهد علیه آن نمی‌تواند شما را متقاعد به عقلانیت‌ورزی و تجدیدنظر کند؟ اگر تاکنون نکرده‌اید، نمی‌خواهید یک نقطه پذیرش شکست و تجدیدنظر تعریف کنید؟ بهتر نیست این کار را زودتر بکنید؟! قبل از اینکه دیر و هزینه‌ها و نارضایتی‌ها بیش‌تر شود و اساسا امکان انتخاب تداومش را نداشته باشید!

■ پاسخ اجمالی:

۱. در این شبهه و شبهات همسو و مشابه، همواره از نظرسنجی‌های معتبر داخلی و یا خارجی، سخن رفته است، اما تا زمانی که مستندات معتبری برای چنان نظرسنجی‌هایی ارائه نشود تا بتوان منطق علمی و روش آن نظرسنجی‌ها را ارزیابی کرد، نمی‌توان به آن‌ها استناد کرد. در واقع، استناد مبهم به «نظرسنجی‌های معتبر» نوعی مغالطه و شگرد خبرسازی است. آری! می‌توان پذیرفت که شمار قابل توجهی از زنان، پوشش شرعی را رعایت نمی‌کنند، اما اینکه با حجاب اجباری مخالف باشند و موافق برداشته شدن الزامات پوشش در حریم عمومی اجتماع باشند، ثابت نشده و این دو مسأله از هم جدا است! این قضیه مثل آن است که گفته شود چون تخلفات رانندگی در کشور ما فراوان است و بسیاری از شهروندان بارها قوانین راهنمایی را نقض کرده‌اند، پس اکثریت مردم با برداشته شدن اجبار در قوانین رانندگی موافق‌اند!

۲. منطق حکمرانی، مستلزم اعمال اجبار در بسیاری از موضوعاتی است که نظم عمومی و منافع عموم مردم را تأمین می‌کند. اساساً حاکمیت سیاسی و نظام قانونگذاری برای تنظیم روابط شهروندان و تحقق خیر عمومی برای همه است. ممکن است در دوره‌ای، به سبب تغییرات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره، بسیاری از شهروندان خواهان لغو قوانینی باشند که نبود آن به جامعه آسیب زده و بود آن موجب تحقق خیرات عمومی است. اما لغو چنان قانونی، می‌تواند تبعات بسیار زیان‌باری برای جامعه داشته باشد. در چنین شرایطی حکومت‌های عاقل و کارآمد، به جای لغو قانون، فرهنگ‌سازی و متقاعدسازی شهروندان خود را در دستور کار قرار می‌دهند. تغییر قانون در موضوعات حساسی مانند پوشش، پیامدهای سنگینی برای

جامعه دارد؛ به ویژه اینکه موضوع پوشش با دیگر رفتارهای جامعه در حوزه سکس، هیجان و روابط زن و مرد گره خورده است.

۳. نکته دیگر اینکه مخالفان الزام حجاب، باید روشن و صریح بگویند که منظورشان از لغو الزامی بودن حجاب چیست؟ آیا منظور، لغو ممنوعیت حجاب سر و گردن است؟ آیا منظور، لغو حجاب همه بدن است؟ آیا...؟ یا اینکه منظورشان آزادی برهنگی است؟ اگر منظورشان برهنگی نیست، بنا به فرض اگر حاکمیت، الزام به حجاب سرو گردن را لغو کرد و پس از چندی عده‌ای زنان خواهان آزادی پوشش قسمت‌های بیش‌تری از بدن خود شدند، هم با همین استدلال‌های سطحی باید حاکمیت به آنان اجازه چنان کاری را بدهد؟!

۴. توجه و دقت در اندازه‌گیری کمیت و کیفیت حریم خصوصی و عمومی شهروندان، نشان می‌دهد که حریم خصوصی افراد در نسبت با حریم عمومی، بسیار بیش‌تر، متکثرتر و متنوع‌تر است. بنابر این الزام به حجاب در کوچه و خیابان و اماکن عمومی، نقض آزادی‌های مشروع شهروندان نیست و افراد می‌توانند در حریم‌های خصوصی خود بر طبق سلاقی و ارزش‌های شخصی رفتار کنند. به نظر می‌رسد که طرفداران لغو الزام حجاب در این راستا از دو مغالطه عمده استفاده می‌کنند: یکی توسعه حریم خصوصی به حریم عمومی و دیگر بزرگنمایی از میزان محدودیت بانوان در رعایت حجاب در محیط عمومی و نقض فاحش آزادی خواندن آن!

۵. رعایت حجاب موجب امنیت اجتماعی بانوان و عامل مؤثری در پیشگیری از وقوع بسیاری از جرایم علیه آنان است. از این رو الزام به رعایت حجاب، منطقی لازم را برای قانونگذاری دارد و بی‌حجابی است که برای قانونی‌شدن نیازمند منطق و دلیل است. به عبارت دیگر، استدلالی که برخی از کشورها برای ممانعت از حجاب دارند، منطقی نبوده و نقض بدون دلیل آزادی افراد است. ولی الزام به

حجاب، به سبب ایجاد زمینه و فضای امن اجتماعی و پیشگیری از رواج جرائم علیه بانوان، قانونی قابل دفاع و دارای تبیین عقلانی است.

۶. نارضایتی‌های ناشی از اوضاع اقتصادی که تا حد زیادی از تحریم‌های ظالمانه غرب علیه کشور و ملت ایران ناشی می‌شود، به هیچ روی مجوز عقلانی و شرعی برای لغو قانون حجاب و برهم زدن نظم عمومی نیست. این استدلال به این می‌ماند که گفته شود چون مردم از اوضاع اقتصادی و شرایط ترافیکی خیابان‌های شهرهای بزرگ ناراضی و عصبانی‌اند و تخلفات فراوانی از سوی مردم انجام می‌شود، مقررات راهنمایی و رانندگی را لغو کنیم!

۷. با این حال نمی‌توان انکار کرد که فعالیت فرهنگی برای اجرای متقاعدسازی عمومی در امر قانونگذاری ضرورت دارد. «اگرچه برخی از مردم خواهان آزادی بیش‌تر در امر حجاب‌اند، اما بخش زیادتری از مردم خواهان الزامی‌ماندن رعایت حجاب‌اند که جمهوری اسلامی نمی‌تواند به نظرات این بخش بی‌اعتنایی کند». مجموعه شواهد نشان می‌دهد که اکثریت مردم خواهان استمرار قانون الزام حجاب در معابر عمومی‌اند، هرچند بخشی از موافقان، خودشان در عمل پایبند رعایت کامل قانون حجاب اسلامی نیستند!

■ منابع برای مطالعه بیش‌تر:

کریمی، حمید، سرّ مستور (نگاهی به مسأله پوشش زن و استعمار)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۸.

غلامی، علی، مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران (بررسی حقوقی- جامعه‌شناختی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

ایروانی، جواد حجاب اجباری آری یا نه؟: تحلیل قرآنی - روایی حجاب شرعی و الزام حکومتی آن، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۹.

دهقان، مجید و عشایری منفرد، محمد، حجاب پژوهی:

پوشش زنان در زمان پیامبر (ص)، پژوهشکده زن و خانواده (وابسته به مرکز مدیریت و حوزه علمیه خواهران)، ۱۴۰۰.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه و انتشار پادکست، عکس‌نوشت و موشن‌گرافی‌هایی درباره حکمت‌های فردی و اجتماعی حجاب بانوان، تهیه مستندهایی از تجارب زیسته بانوان با حجاب، به ویژه کسانی که دوره‌ای از بی‌حجابی را تجربه کرده‌اند، تهیه مقالات پژوهشی و ترویجی درباره آثار حجاب بر کاهش جرم‌های جنسی، خصوصاً با رویکرد تطبیقی میان ایران و جوامع غربی.

داستان حجاب انقلابی!

تناسه شبهه

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: حجاب اجباری

شبهه کننده: شهاب الدین حائری شیرازی

منبع انتشار شبهه: کانال ویرایش ذهن

https://t.me/virayeshe_zehn

هدف های احتمالی: اعتبارزدایی از الزام قانونی

حجاب، متهم ساختن امام و نظام به بی تدبیری.

نمایه ها: حجاب، راهبرد تدریج در احکام، امام

خمینی، حجاب اجباری.

متن شبهه

هنوز یک ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام راحل طی نطقی در اسفند ۵۷ این مسئله را مطرح کردند که چرا ادارات ما مثل زمان طاغوت است و اسلامی نشده است؟!

آیت الله خمینی یک خصوصیت شخصیتی دارد که وقتی به انجام کاری جازم می شود، آنچنان به اصطلاح، سمبه را پر زور می کند که مخالفان یک امر به توجیه کنندگان همان مسئله، مبدل می شوند. از نگاه به مجموعه مصاحبه ها می توان نتیجه گرفت، شهید بهشتی و مرحوم طالقانی ابتدا صریحا و سپس تلویحا با طرح اجبار حجاب، خصوصا در آن مقطع، موافقتی ندارند. اما آیا عمل امام خمینی در چارچوب عقل و شرع قابل دفاع است؟

در مملکتی که اساسش بر تبلیغ و ترویج بی حجابی بوده و تا پیش از انقلاب ۵۷ و حتی پس از آن، میلیون ها نفر بی حجاب در مکان های عمومی ظاهر می شدند، آیا رفتن سراغ حکم شرعی آن هم به یکباره الزام و اجبار آن، معقول و مشروع است؟!

دین اسلام دین عقل و عقلانیت است. متون متعدد در کنار سیره و سنت و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر لزوم ملاحظه واقعیات برای جایگزینی یک سبک زندگی به جای دیگری دلالت دارد. در اسلام، روش‌هایی برای اجراء و جریان احکام در جامعه وجود دارد که یکی از آن‌ها تدریجی نازل شدن احکام است. حتی نسبت به واجبی مثل نماز هم، نماز یکباره با کیفیت فعلی واجب نشده و کم‌کم به میزان بالا رفتن نفوذ دین بر تعبدیات افزوده شده است.

به نظر می‌رسد متأسفانه امام راحل بدون در نظر گرفتن عناصر مؤثر در برانداختن و جانداختن یک سنت و فقط با دستور می‌خواستند یک روش و سبک زندگی دیرپا را برانند و نتوانستند!

بجا بود بجای آن اصرار بر اجباری شدن حجاب، رواج حجاب را از اصل حکم جدا می‌کردند و به عنوان یک بحث مصداقی و تخصصی وابسته به علوم اجتماعی، که از حیطة تخصص فقیه بیرون است، به کارشناسان علوم اجتماعی واگذار می‌کردند.

مجلس قانونگذاری کارش همین است که با مشورت کارشناسان، یک حکم را عملیاتی کند؛ اما نه به صرف دستور! که متأسفانه مجلس هم با توجه به دستور آیت الله فقط همان دستور را تأکید نمود!

فقیه در کشف حکم شرعی تخصص دارد، نه پیاده کردن آن؛ فقهاء از دیر باز می‌گفتند: پرداختن به مصداق و پرداختن به عالم جزئیات شأن فقیه نیست!

به هر حال پس از ۴۳ سال و صرف هزینه بسیار، اگر تلاش‌های حکومت به جامعه‌ای بی‌حجاب‌تر کشیده نشده باشد، قطعاً به جامعه‌ای متبرج‌تر (تبرج یعنی نمایشگری و بدن را تزئین و به نمایش گذاشتن) کشیده شده است. اصرار حکومت بر حجاب اجباری، حجاب را به شعار حکومت مبدل نمود. حجاب یک ماهیت حکومتی پیدا کرد؛ سوای ماهیت دینی‌اش. آنچنانکه مردم وقتی می‌خواهند نارضایتی یا مخالفت خود را با حکومت بر ملا کنند، حجاب را مراعات نمی‌کنند!

امروز که سیاست‌های غلط، مملکت را در گرداب تورم و نارضایتی عمومی فرو برده، حکومت، آستین‌ها را بالا زده که در ناتوانی از وصول به ده‌ها حکم و مقصد شرعی و عقلی خود را، نظیر مراعات قسط و عدل و مبارزه با ظلم، با تأکید بر حجاب زنان بیپوشاند! این تلاش قطعاً نافرجام است؛ چرا که اجبار حجاب را حکومتی پی‌گیری می‌کند که با چاپ پول بدون پشتوانه آن هم بصورت لجام گسیخته، دست در جیب مردم فرو برده و مردم از چنین کسی که جیبشان را خالی و زندگی‌شان را با سوءتدبیر پر از مشکلات نموده، امر به معروف نخواهند شنید!

پیشنهاد ها

■ پاسخ‌اجمالی:

۱. اینگونه سخن گفتن درباره مسائل، نوعی نق زدن است که تنها ممکن است قدری به تخلیه هیجان خشم و نفرت کمک کند؛ اما سازنده نیست. صرف تقبیح و نکوهش گذشته، بدون ارائه مبانی، روش، مدل و دلائل منطقی برای اکنون و آینده، کار آسانی است.

۲. اگرچه در آغاز ظهور اسلام برخی از احکام به صورت تدریجی تشریع شده است؛ ولی اکنون بعد از گذشت قرن‌ها از ظهور اسلام و پذیرش اسلام از سوی مردم ایران و معرفی مقررات و احکام شرعی، نمی‌توان به استناد تدریجی بودن نزول احکام بر پیامبر، مدعی شده که دوباره می‌بایست همین احکام نهایی شده را از ابتدا و به صورت تدریجی قانونگذاری و اجرا کرد؛ زیرا مردم ایران، حتی اغلب کسانی که به هر علت و دلیل، برخلاف دستورات اسلام، رفتار می‌کنند، از آخرین دستورات شرعی مطلع بوده و می‌دانند دستور نهایی اسلام در موضوع حجاب و غیره چیست. به نظر می‌رسد در این شبهه و شبهات همسو و مشابه، میان نزول تدریجی احکام بر پیامبر و قرارگرفتن یک حکم در منظومه قوانین شرع با مقام اجرای همان حکم، خلط شده است. آنچه

در مقام قانونگذاری لازم است، تبیین حکم الهی و تعیین حدود و مرزهای رفتاری است؛ اما در مرحله اجرا لازم است زمینه‌های متقاعدسازی، پذیرش و انگیزه برای اقدام از سوی شهروندان را ملاحظه کرد.

۳. نکته اساسی در پاسخ به این شبهات این است که اگر گویندگان آن از اقشار دیندار و خواهان گسترش و تعمیق دینداری‌اند، نباید با اصل حکم و قانون الزام حجاب مخالفت کنند؛ بلکه باید به ارائه طرح‌های مؤثر و کارآمد برای مقابله مؤثر و سازنده با پدیده بدحجابی اقدام کنند. برداشتن ممنوعیت بی‌حجابی در حال حاضر پیامدهای منفی بسیار گسترده‌ای دارد که ترمیم و اصلاح آن ممکن است تا چندین نسل امکان‌پذیر نباشد. در حال حاضر، فارغ از اینکه الزام قانونی به حجاب در ابتدای جمهوری اسلامی، کار درست یا نادرستی بوده، پاک کردن صورت مسئله، آسان‌ترین کار برای مواجهه با معضل بدحجابی است. اکنون با قانونی مواجهیم که از سوی برخی از شهروندان نقض شده و توسط جریان معاندی در بیرون و درون ایران با آن مخالفت گسترده می‌شود. بسیار روشن است که مخالفت معاندان با حجاب با دو راهبرد انجام می‌گیرد: راهبرد اول از بین بردن حجاب، به عنوان مهم‌ترین نماد جامعه و حکومت دینی و مسیری برای براندازی و راهبرد دوم اشاعه فحشا و مفساد جنسی گسترده در کشور، که طبیعتاً به فروپاشی جامعه خواهد انجامید. در این میان خیرخواهانی هم هستند که با انگیزه‌های سطحی، بر لغو قانون حجاب اصرار می‌کنند. از این رو دیندارانی که با انگیزه اصلاح و از خاستگاه اخلاق و شرع، به موضوع بی‌حجابی نگاه کرده و با الزام قانونی حجاب مخالفت می‌کنند، می‌بایست به پیامدهای نظرات خود توجه کرده و به جای مخالفت با اصل الزام حجاب، که برداشتن آن در شرایط کنونی، نه تنها مفید نیست که به معضلات و بحران‌های دیگری می‌انجامد، در جهت متقاعدسازی، فرهنگی‌سازی و آرام‌سازی جامعه و

بالا بردن سطح آگاهی مردم کمک کنند.

۴. وجود مشکلات و معضلات گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در کشور قابل انکار نیست و نظام اسلامی، به سبب تحریم‌های ظالمانه و سوءمدیریت قوای سه گانه در طول دهه‌های گذشته، نتوانسته است رضایت مطلوب همه ایرانیان را به دست آورد. البته بخشی از نارضایتی مردم محصول وضعیت واقعی و بخش قابل توجهی هم نتیجه فضا سازی رسانه‌ای و تبلیغاتی معاندان در سیاه‌نمایی اوضاع کشور است. با این وجود یقیناً پافشاری دولت بر امر حجاب می‌تواند مشکلات اجتماعی خاصی را برای نظام ایجاد کند؛ اما از منظر عقلانی و شرعی، متهم بودن دولت به ناکارآمدی، مجوزی برای دادن آزادی‌های مخرب به بخش‌هایی از جامعه نیست. معمولاً در چنین شرایطی، نیروهای فعال اجتماعی باید به کمک دولت‌ها آمده و برای آرام‌سازی و ایجاد پذیرش قانون در میان شهروندان اقدام کنند؛ نه اینکه خود با قرار گرفتن در یک طرف ماجرا، به قطبی‌تر شدن فضا کمک‌رسانند!

۵. باید افزود که برخی موضوعات به ظاهر عرفی هم ممکن است به اجتهاد و تلاش فقیهانه نیازمند باشد و اینکه گفته شود تشخیص موضوع همواره کار مقلدان و از حیطة وظیفه فقیه خارج است، سخن نادرستی است. در اغلب فروع فقهی، موضوع کلی را هم خود فقیه تشخیص می‌دهد.^۱

۶. شایان توجه است که با علم به وجوب حجاب و حرمت بی‌حجابی و آگاهی از جواز شرعی تعزیر در برابر ارتکاب علنی حرام در انظار عمومی، نمی‌توان قانونی را که در راستای همین احکام وضع شده، نامشروع و نادرست دانست. البته مجریان در مقام اجرای قانون می‌بایست انعطاف داشته و ضمن آموختن روش‌های صحیح برخورد با مردم تا آنجا که ممکن است خطای شهروندان را با شیوه‌های قهرآمیز و سرکوبگرانه

پاسخ ندهند. تذکار محترمانه و مشفقانه با زبان خوش و گرامیداشتن همه شهروندان، به ویژه بانوان، امر لازمی است. ضمن اینکه به جای پرداختن صرف به معلول (بی حجابی)، می‌بایست به زمینه‌ها، علل و عوامل این موضوع هم با جدیت پرداخته و در اولویت اصلاح و مقابله قرار گیرد.

■ منابع جهت مطالعه بیشتر:

کریمی، حمید، سرّ مستور (نگاهی به مسأله پوشش زن و استعمار)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۸.
واقف زاده، شمس، حقوق زنان و پاسخ به برخی شبهات، چاپ دوم، تهران: انتشارات بهمن برنا، زمستان ۱۳۹۴.
علمایی، نسیم، شبهات زنان در اسلام و پاسخ به آن، چاپ اول، ۱۳۹۹.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه و انتشار پادکست، عکس‌نوشت و موشن‌گرافی‌هایی درباره حکمت‌های فردی و اجتماعی حجاب بانوان، تهیه مستندهایی از تجارب زیسته بانوان با حجاب، به ویژه کسانی که دوره‌ای از بی حجابی را تجربه کرده‌اند، تهیه مقالات پژوهشی و ترویجی درباره آثار حجاب بر کاهش جرم‌های جنسی، خصوصاً با رویکرد تطبیقی میان ایران و جوامع غربی.

حجاب اسلامی و ستمگری دینی علیه زنان!

عنوان شبهه: موضوع عام: حقوق زنان

موضوع خاص: حجاب

ایرادگر شبهه: جلال ایجادی

منبع انتشار شبهه: سایت عصر نو

<http://asre-nou.net>

هدف های احتمالی: اعتبارزدایی از حکم حجاب،

تحریف فلسفه حجاب اسلامی، متهم ساختن

اسلام و نظام اسلامی به ستم علیه زنان،

تضعیف باورها و انگیزه های ایمانی زنان.

نمایه ها: حجاب، مردسالاری، حقوق زنان،

اسلام.

متن شبهه

۱. مسئله حجاب در اسلام در راستای تسلط مطلق مرد بر زن است. در این بینش، زن باید محروم از اجتماع و محروم از هردیداری باشد. جامعه شناسی و روان شناسی، انسان ها را در پیوند هم می بیند و چهره های باز را نشانه ای از آشنایی اجتماعی و مدارا سالاری و مهربانی انسانی ارزیابی می کند. حال آنکه دیدگاه قرآن برای تصاحب گری مردانه و مطلق زن است، برای منزوی کردن زن در جامعه است. حجاب، نفی بدن زن، نفی استیک زنانه و نفی آزادی زن است!

۲. مطلب مرکزی در اسلام، پوشاندن زن توسط ارباب و اسارت زن در خانه است. این محروم سازی را قرآن «عفت» می نامد. این یکی از پایه های «استدلال و برهان» آخوندها و نواندیشان و روزنامه نگاران دینی و شارلاتان ها است. شما که این ادعا را دارید باید با روش علمی ثابت کنید که حجاب قرآنی، ارزش های انسانی را ارتقا می دهد، به ثبات جامعه کمک می رساند، تربیت

جامعه را تقویت می‌کند، مناسبات اجتماعی و انسانی را تحکیم بخشیده و پاکیزه می‌سازد و زن را به آزادی راهبری می‌کند. شما فقط شعار تو خالی می‌دهید!

۳. زنان تصویر شده در قرآن شما، نصف مرد ارث می‌برند، تا چهار نفر از آنان زیر قدرت و لذت جنسی مرد منکوب‌اند و اگر نافرمانی کنند، شوهر پیرو پیامبر، می‌تواند آن‌ها را کتک بزند. این ننگ بشریت است و شما مذهبی‌ها مسئول پوشاندن این اعمال دینی هولناک‌اید.

ما در عصر مدرن زندگی می‌کنیم و معیارهای ما منشور حقوق بشر و دستاوردهای زنان معاصر است. اسلام‌گریان ما را به جامعه قبیله‌ای و مردسالار پیامبر خود ارجاع می‌دهند!

پیشنهاده‌ها

■ پاسخ اجمالی:

۱. برخلاف ادعاهای شبهه‌کننده، واجب‌شدن پوشش شرعی از تکریم بانوان، موافقت با حضور اجتماعی، پیشرفت و اظهار وجود زن در دین اسلام حکایت می‌کند؛ زیرا «اگر بنا بر مستوری و خانه‌نشینی زن بود، خانه‌نشینی زنان واجب می‌شد نه پوشش در برابر نامحرمان!»

۲. پوشش شرعی یکی از زمینه‌های پیشرفت و شکوفایی توانمندی زنان است؛ زیرا پوشش باعث می‌شود نمود و نمایش بدن زن، که به طور طبیعی برای مردان، زیبا، دل‌انگیز و موجب میل جنسی است، به محیط خانه و خانواده معطوف شده و در سایه امنیتی که برای زن در محیط جامعه ایجاد می‌شود، زنان راحت‌تر بتوانند برای پیشرفت علمی، شغلی و اجتماعی خود تلاش کنند.

۳. رعایت نکردن پوشش شرعی زمینه مناسبی برای هدررفت زمان، پول، آرامش و آسایش زنان برای حضور در اجتماع است. زنی که بدون پوشش شرعی در

جامعه حضور پیدا می‌کند، مجبور است برای آراستگی مطلوب جامعه، وقت، پول، نگرانی و حساسیت‌های بیش‌تری هزینه کند و این امر او را از پرداختن به بسیاری از هدف‌های مطلوب و متعالی باز می‌دارد. معمولاً عدم پوشش شرعی، در میان زنان نوعی رقابت منفی برای زیباتر جلوه کردن را ایجاد می‌کند که از لحاظ هزینه‌های مالی و شاخص‌های سلامت روان‌شناختی، مشکلات قابل توجهی را برای آنان پدید می‌آورد. وقتی نمایش بدن زن، ارزش اجتماعی شد، زنان در محیط اجتماعی، تنها با همین معیار، ارزیابی خواهند شد و این امر، نوعی مسابقه تبرج و نمایشگری را در میان زنان ایجاد می‌کند که آرامش، آسایش، توانمندی‌ها و سلامت روانی و معنوی آنان را به مخاطره خواهد انداخت!

۴. در نظام اخلاقی اسلام، پوشش شرعی یکی از نشانه‌ها و زمینه‌های «عفت‌ورزی» است، نه معنا و مصداق یگانه آن. اصل عفت‌ورزی، در ذهن و قلب انسان و نمودهای بیرونی آن در زبان و رفتار جلوه‌گر است. بنابر این فروکاستن «عفت» به پوشش از نوع مغالطه اصل و فرع است. امور روان‌شناختی، دارای لایه‌های شناختی، انگیزشی و رفتاری است که هر کدام بر دیگری اثرگذار می‌گذارد. از همین رو هرچند پوشش، از نموده‌های رفتاری «عفت» است؛ اما بر استحکام، تداوم و عمق آن تأثیر می‌گذارد.

۵. از دیدگاه اسلام تفاوت حقیقی و ارزش‌شناختی زن و مرد در میزان ارث، دیه و غیره نیست. بنابه معارف صریح اسلامی، معیار ارزشیابی انسان‌ها بر پایه پیراستگی از زشتی‌های اخلاقی و آراستگی به فضیلت‌ها است: «(ان اکرمکم عند الله اتقاکم)». اساساً زن یا مرد بودن، عامل سعادت یا شقاوت انسان‌ها معرفی نشده است. اساس سعادت، نزدیکی و جودی به منبع هستی، یعنی خداوند و اساس شقاوت، دوری از او است. قواعد و مقرراتی که برای تنظیم رفتارهای اجتماعی زن و مرد بیان شده، جز ایجاد نظم و انضباط معقول و اخلاقی هدفی

ندارد و هرگز به معنای فروتری یا فراتری هیچ یک از زن و مرد نیست.

۶. دین اسلام زندگی دنیا را مقدمه‌ای برای آخرت و ابدیت و فرصتی برای کسب فضائل و کمالات وجودی انسان می‌داند، برخلاف مکتب لیبرالیسم، که هستی انسان را در همین چندسال عمر دنیایی خلاصه کرده و ارزش را در لذت‌جویی بیش‌تر از زندگی دنیایی معرفی می‌کند. بدیهی است که این دو، دو نگرش کاملاً متضاد، به انسان، هستی و خیر و شرّ او است. بنا به دیدگاه لیبرالیسم هر انسانی به همان اندازه که از مظاهر مادی طبیعت و زندگی اجتماعی کسب لذت کند، خوشبخت و کامل است و بر این اساس، لذت بیش‌تر، مساوی با خوشبختی و کمال بیش‌تر است. اما اسلام کسب فضیلت و معنویت را معیار ارزیابی خوشبختی و کمال انسان می‌داند و از این رو هرکس معنویت و فضیلت بیش‌تری کسب کند، خوشبخت‌تر و کامل‌تر است. اسلام بر اساس نگرش خاص خود به هستی و انسان در تنظیم روابط خانوادگی و اجتماعی با هدف ایجاد فرصت بیش‌تر و تسهیل افزون‌تر برای خودسازی و کسب فضائل، زنان را از تکالیف مالی خانواده معاف کرده و برای آنان حقوقی را مانند نفقه (هزینه زندگی) و مهریه بر مردان لازم کرده است. نیز تکالیفی مانند جنگیدن و گمارده شدن به کارهای سخت را از دوش زنان برداشته و حداکثر آسان‌نگری و فراغت از امور اجتماعی را برای آنان مقرر کرده است. در اسلام تقسیم ارث میان زن و مرد بر اساس منطق خاصی صورت گرفته است. در برخی از موارد برای مردان سهم بیش‌تری مقرر شده تا بتواند تکالیف مالی خود در برابر همسر و فرزندان‌شان را به انجام رسانند. هر جا از سهم ارث زن، کاسته شده، در جای دیگری (نفقه و مهریه) جبران شده است.

با این وجود اسلام هرگز زنان را از دنبال کردن هدف‌های شخصی، مثل تحصیلات، شغل، درآمدزایی و به دست آوردن پست‌های سیاسی و اجتماعی، جز در

موارد محدود، منع نکرده است. زنان آزادند ازدواج کنند یا مجرد بمانند؛ فرزندآوری کنند یا نکنند؛ به دنبال توسعه اقتصادی باشند یا نباشند؛ ... هرچند اسلام همسری و مادری را برای زنان پسندیده‌تر و با شکوه‌تر می‌داند.

۷. آیات قرآن کریم، سخنان و سبک رفتاری پیشوایان دین گواه روشنی بر نگرش کریمانه، محترمانه و ارزش‌مدارانه اسلام به زن و زنانگی است. آنچه از سیره رفتاری پیامبر و امامان علیهم السلام درباره شیوه برخورد با زنان و دختران‌شان در تاریخ ثبت شده، از نهایت مهربانی، احترام، مدارا و نرم‌خویی حکایت می‌کند. کافی است به نمونه برخورد امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام با عایشه همسر پیامبر پس از جنگ خونین جمل بنگریم تا نشان دهد که امام حتی با فردی که در برپایی آشوب جنگ و کشته‌شدن هزاران نفر از مسلمانان سهیم بوده، نهایت گذشت، مهربانی و مدارا را به کار گرفته است.

۸. آیه ۳۴ سوره نساء که در آن زدن برخی از زنان، در شرایط خاصی تجویز شده، به شرایط عادی و همه زنان مربوط نیست. موضوع این حکم، زنی است که با وجود دریافت همه حقوق مادی و معنوی خود از همسر، با ناسازگاری، بی‌اعتنایی به حقوق همسر و گشودن مرزهای خانواده بر بیگانگان، امنیت و موجودیت خانواده را به خطر انداخته و با روش‌های ملایم شناختی (موعظه) و عاطفی (دوری مرد از زن در رختخواب) از رفتارهای زشت خود دست برداشته است. در این شرایط اسلام به مرد اجازه داده (یعنی فقط مباح است، نه واجب یا مستحب) تا چنین زنی را به قدر ضرورت (به قدری که مستلزم پرداخت دیه نباشد) تأدیب کند. در برخی از روایات آمده است که مرد، تنها می‌تواند چنین زنی را با چوب مسواک (که سبک‌ترین چوب‌ها است) تأدیب نماید. این راهبرد اولاً برای مهارزدن بر روش خشن اعراب در برخورد با نافرمانی زنان است، ثانیاً جنبه بازدارندگی دارد؛ ثالثاً بیش از هرچیز برای حل و فصل ناسازگاری زن و شوهر در درون خانواده و پرهیز

از کشاندن اختلاف به فضای اجتماعی، اعم از خانواده گسترده و دادگاه و غیره است.

■ منابع برای مطالعه بیشتر:

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۳ به بعد.

کریمی، حمید، سرّ مستور (نگاهی به مسأله پوشش زن و استعمار)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۸.

کریمی، حمید، زن و مرد تشابه، تساوی یا تناسب، مرکز نشر هاجر، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱.

واقف زاده، شمس، حقوق زنان و پاسخ به برخی شبهات، چاپ دوم، انتشارات بهمن برنا، زمستان ۱۳۹۴.

حسینی، سید ابراهیم، شخصیت و حقوق زن، دفتر نشر معارف، چاپ دوم ۱۳۸۹.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه و انتشار پادکست، عکس‌نوشت و موشن‌گرافی‌هایی درباره حکمت‌های فردی و اجتماعی حجاب بانوان، تهیه مستندهایی از تجارب زیسته بانوان با حجاب، به ویژه کسانی که دوره‌ای از بی‌حجابی را تجربه کرده‌اند، تهیه مقالات پژوهشی و ترویجی درباره آثار حجاب بر کاهش جرم‌های جنسی، خصوصاً با رویکرد تطبیقی میان ایران و جوامع غربی، برپایی نشست‌های علمی و مناظرات تخصصی با موضوع پوشش و الزام قانونی آن.

ضرورت بازنگری در قانون حجاب

موضوع عام: حقوق زنان

موضوع خاص: حجاب

ایرادگر شبهه: شهاب الدین حائری شیرازی

منبع انتشار شبهه: کانال ویرایش ذهن:

https://t.me/virayeshe_zehn

هدف های احتمالی: اعتبارزدایی از قانون حجاب

جمهوری اسلامی، القای ناکارآمدی مقابله با

بی حجابی، القای بی تدبیری امام در فرمان به

ضرورت رعایت حجاب.

نمایه ها: حجاب، قانون حجاب، امام خمینی.

متن شبهه

۱. در ادله شرعی گاهی بین دو حکم ملازمه عرفی وجود دارد؛ فی المثل از دستوردادن شارع به شستن چیزی که با نجس ملاقات کرده، می فهمیم آن شیء متنجس شده و با آن نمی شود نماز خواند.

در بحث حجاب نیز چنین است؛ یعنی در جاهایی که شارع نظرکردن مرد به خانمی را تحریم کرده، عرفاً فهمیده می شود حجاب گرفتن بر آن خانم، نسبت به این آقا، واجب است.

در بحث اینکه آیا مراعات حجاب بر اهل کتاب و کفار در جامعه و در حکومت اسلامی واجب است یا خیر؟ هیچ دلیل شرعی خاصی که ناظر به ضرورت حجاب کفار در حکومت اسلامی باشد، نداریم؛ بالعکس روایات، بر جواز نظر بدون لذت جویی، به مو و مواضعی که ایشان معمولاً در جامعه نمی پوشانند، دلالت دارد. چنانکه گذشت، جواز نظر به موی شخصی با عدم وجوب یا الزام آن خانم به حجاب، ملازمه عرفیه دارد.

۲. اگر مرد می تواند به موی خانم کافر نگاه کند و بر این

نظر کردن، در نظر شرع، مفسده‌ای مترتب نیست، الزام این خانم کافر که قطعا از جانب حکومت به فروع دیگر چون نماز و مجبور نمی‌شود، او به حجاب چه وجهی می‌تواند داشته باشد؟!

ناگفته پیداست که تمام مصلحتی که می‌توانست موجب الزام یک غیرمسلمان به حجاب شود، صیانت جامعه از مفساد مترتب بر بی‌حجابی بود، که طبعا اگر چنین مفسادی در نظر شارع بود، نظرکردن بر موی کفار را مانند مسلمانان تحریم می‌نمود!

۳. اگر چه حکومت می‌تواند اهل کتاب و کفار را به قوانین خود ملزم نماید، اما عدول از سیره و روش پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امیرمؤمنان در حکمرانی (که اهل کتاب را ملزم به مراعات حجاب نمی‌نمودند) برای عدول از حکم اصلی و اولیه، نیازمند عنوان ثانوی است.

قانون حجاب باید با ملاحظه اموری مورد تجدید نظر واقع شود:

- تمایز بین کسانی که حجاب بر آن‌ها لازم و کسانی که حسب ادله شرعی، حجاب بر آن‌ها در لازم نیست.
- تلقی حجاب به عنوان بخشی از قوانین و احکام عفاف، نه تمام آن.

احکام و قوانین فردی و اجتماعی و سیاسی دین منظومه‌ای منسجم است و نمی‌توان به صورت سلیقه‌ای بخشی از آن را پررنگ و بخشی را تعطیل نمود. در این صورت، دین دستکاری شده و بدلی است، نه دین پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

پیشنهاده‌ها

■ پاسخ اجمالی:

۱. ملازمه عرفی میان جواز نظر مرد و جواز کشف حجاب از سوی زن، نیازمند دلیل بوده و صرف حکم به جواز نظر مرد، بر جواز کشف حجاب از سوی زن، دلالت نمی‌کند؛ زیرا ممکن است شارع در جواز نظر، ملاک‌هایی را (مثل

تسهیل، کاستن از تنگنا و سختی در روابط، ...) در نظر داشته که در جواز کشف حجاب نیست. آری! حکم به جواز کشف، عرفاً بر جواز نظر دلالت می‌کند.

۲. ضمن تأکید بر عدم ملازمه عرفی میان جواز نظر به مو و زیبایی‌های زنان کافر از سوی مردان مسلمان (بدون قصد لذت‌جویی) و عدم جواز کشف حجاب برای آنان، گفتنی است در بحث الزام شرعی زنان کافر به حجاب اسلامی، دو مبنا وجود دارد: مبنایی که کافران را مکلف به اصول و فروع دین هردو می‌داند و مبنایی که آنان را تنها مکلف به اصول دین معرفی می‌کند. بر اساس مبنای اول، زنان کافر هم به رعایت پوشش اسلامی مکلفند و بر این مبنا حاکم شرع می‌تواند آنان را به رعایت این حکم ملزم کند. اما بر مبنای دوم، اگرچه ظاهراً الزام زنان کافر به حجاب، دلیل خاص و مستقلاً ندارد، اما دلیل «ذمه» و لزوم رعایت قواعد و قوانین حکومت اسلامی، الزام آنان به حجاب را شامل می‌شود؛ مگر اینکه کسی بگوید حکومت اسلامی حق اجرای احکام اسلامی و الزام شهروندان به رعایت احکام شرع را ندارد!

حتی اگر رعایت پوشش شرعی را از مباحات قلمداد کنیم، بر اساس مبانی فقه اجتماعی - سیاسی اسلامی، حاکم مسلمانان در مواردی که «مصلحت اهمی» وجود داشته باشد، می‌تواند در قلمرو رفتارهای مباح قانون‌هایی را وضع کرده و تا زمانی که آن مصلحت وجود دارد، به الزام یا ممنوعیت آن رفتار استمرار بخشد.

۳. این نکته بر همه عاقلان منصف، چه رسد به متفکران و اهل دانش، پوشیده نیست که زمان و مکان و شرایط حکمرانی پیامبر و امام امیرالمؤمنین علیهما السلام با زمان ما بسیار متفاوت است. اگر درباره شیوه حکمرانی آن حضرات گزارشی از الزام به حجاب به ما نرسیده‌اند، گزارش‌نشدن، دلیلی بر نبودن چنان الزام‌هایی نیست. ثانیا در آن زمان و آن جوامع، نظام اجتماعی بر اساس

نظم قبائلی مبتنی بوده و بسیاری از قوانین و قواعد شرعی و اجتماعی توسط قبیله و عشیره اجرا و کنترل می‌شده و به ورود حکومت نیاز نبوده است. ثالثاً تنوع و تکثر لباس‌ها، آرایش‌ها، جلوه‌گری‌ها و به ویژه وجود ابزارهای رسانه‌ای تصویری گسترده در دست همه شهروندان امروزی، در آن زمان وجود نداشته است. در آن زمان و مکان‌ها، بی‌حجابی یک زن ممکن بود بر شمار اندکی از مردان تأثیر گذاشته و مفسده ایجاد کند؛ به خصوص که اکثر زنان از قشر فقرا بوده و بی‌حجابی آنان مفسده گسترده‌ای ایجاد نمی‌کرده است. رابعاً در عصر پیامبر و امام علی ایمان و التزام اکثر مردم به ظواهر اسلامی بسیار زیاد بوده و بدپوششی آنقدر شیوع نداشته که به یک معضل اجتماعی تبدیل شده و مستلزم ورود حکومت باشد. خامساً در عصر پیامبر پوشش شرعی در اواخر دوران مدینه واجب شده و زنان مسلمان خودشان بدون الزام حکومتی، پوشش را رعایت می‌کردند و با کسانی هم که در این باره کوتاهی می‌کردند، به سبب تازگی حکم، مدارا می‌شده است. در دوران حکومت امام علی علیه السلام همه فرصت‌ها و ظرفیت‌های حکومت امام صرف مقابله و جنگ با اهل جمل و صفین و نهروان شد و امام اصلاً فرصتی برای نظام‌سازی پیدا نکرد. شاید اگر فرصتی پدید می‌آمد و امام با فراغت می‌توانست نظریه سیاسی و مدل‌های حکمرانی خود را پیاده سازد، امروز بهتر و روشن‌تر می‌توانستیم دیدگاه ایشان درباره الزام قانونی پوشش زنان را بررسی کنیم.

■ معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

کریمی، حمید، سرّ مستور. (نگاهی به مسأله پوشش زن و استعمار)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۹۸.
واقف زاده، شمس، حقوق زنان و پاسخ به برخی شبهات، چاپ دوم، انتشارات بهمن برنا، زمستان ۱۳۹۴.
علمایی، نسیم، شبهات زنان در اسلام و پاسخ به آن، چاپ اول، ۱۳۹۹.

غلامی، علی، مساله حجاب در جمهوری اسلامی ایران
(بررسی حقوقی- جامعه‌شناختی)، انتشارات دانشگاه
امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه پادکست، موش و عکس‌نوشت‌های جذاب
درباره حکمت‌ها، مبانی الزام قانونی و احکام
مربوط به پوشش شرعی، تهیه و انتشار مجموعه
مقالات و کتاب‌هایی درباره زمینه‌های تاریخی،
جامعه‌شناختی و روان‌شناختی پوشش در عصر پیامبر
و ائمه علیهم السلام، برگزاری کرسی‌های نظریه‌پردازی
درباره زمینه‌های تاریخی مربوط به پوشش شرعی با
حضور موافقان و مخالفان الزام قانونی پوشش.

جهت اطلاع مسؤولان بازنگری قانون عفاف و حجاب

شناسه شبهه

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: حجاب اجباری

شبهه کننده: امیر ترکاشوند

منبع شبهه: کانال بازنگری

@baznegari

هدف های احتمالی: اعتبار زدایی از قانون

عمومی حجاب.

نمایه ها: حجاب، حکم حجاب، مصادیق حکم

جواز بی حجابی.

متن شبهه

آیا می دانید که:

• زنان مکه و باریکه تهامه، تقیّد چندانی به روسری نداشتند و با این وجود نه عناصر حکومت پیامبر و نه متشرّعان، هیچ یک متعرّض آنان نمی شدند و تحت پیگرد و مؤاخذه قانونی (و چه بسا حتی ارشاد) قرار نداشتند!

• آیا می دانید که:

• زنان بادیه نشین و روستایی، تقیّد چندانی به روسری نداشتند و با این وجود نه عناصر حکومت پیامبر و نه محتوای روایات هیچ یک متعرّض آنان نشده و به عبارت دیگر تحت پیگرد قانونی نبودند!

آیا می دانید که:

• زنان غیرمسلمان ساکن در سرزمین های اسلامی با وجود شمار فراوان شان، هیچ گاه از سوی عناصر حکومت پیامبر و آمران و ناهیان مفروض، بابت فقدان روسری مورد بازخواست قرار نگرفتند و وجود این زنان پرشمار بی روسری موجب بی حیایی و بی عفتی جامعه تفسیر نمی شد!

آیا می‌دانید که:

• زنانِ فرزندآورِ پیامبر گرامی (خدیجه طاهره، ماریه قبطیه) شرعاً هیچ حکمی در خصوص پوئ روسری نداشتند؟! آیا از خود پرسیده‌ایم خدیجه پیش از نزول آیاتی در باره پوشش درگذشت) با چا پوششی تردّد می‌کرد؟ ماریه که کنیز بود، چه؟!
آیا می‌دانید که:

• همه فرزندان امام موسی کاظم از کنیزان بی‌رو زاده شدند؟!
آیا می‌دانید که:

• زنان یائسه (و پنجاه شصت سال به بالا) اگر تقی پوشیدن روسری از خود نشان نمی‌دادند با این ا از سوی عناصر حکومت پیامبر بازخواست و مؤ نمی‌شدند؟!
آیا می‌دانید که:

• اگر زنی معترض (و در رنج و فشار روحی) به نشانه اعتراض، برهنه در برابر پیامبر گرامی و در انظار ظاهر می‌شد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و عناصر حکومت وی، او را بازداشت و مؤاخذه نمی‌کردند؛ بلکه وی را درک کرده و چاره‌اندیشی می‌کردند؟!
آیا می‌دانید که:

• فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نیز به عنوان زنی معترض قصد کنار انداختن روسری و پریشان کردن موها و فریاد و استغاثه به درگاه الهی (در بیرون خانه را) داشت، اما سرانجام خانواده (نه به خاطر زیر پا گذاشته شدن شرع و قانون حجاب بلکه) از ترس اجابت استغاثه و نزول عذاب، وی را منصرف ساختند؟!
آیا می‌دانید که:

• عموم کنیزان (چه غیر مسلمان و چه حتی مسلمان) حق استفاده از روسری نداشتند؟!
آیا می‌دانید که:

• زنان عزادار در سوگ‌ها با موهای پریشان‌کرده به نشانه عزا، از خانه خارج می‌شدند و هیچ‌گاه عناصر

حکومت پیامبر این سیل زنان بی‌روسی و باروسری را مورد مؤاخذه و پیگرد (بسا ارشاد) قرار نمی‌دادند؟! آیا می‌دانید که:

• زنان و دختران بالغ اگر روسری‌شان را نمی‌توانستند پیدا کنند [و یا مثلاً روی بند آویزان بود و هنوز خشک نشده بود] و قصد خواندن نماز و یا عزم بیرون رفتن از خانه داشتند در این صورت شرعاً مجوّز داشتند که بی‌روسی نماز بخوانند یا از خانه بیرون روند. آیا می‌دانید که:

• یکی از شیوه‌های برپا کردن نماز حاجت برای زنان مطابق رهنمود صادقین (امام پنجم و ششم ما شیعیان) آن است که به مکانی مرتفع (پشت بام) رفته و بی‌روسی و با موهایی باز، رو به آسمان دست به دعا بردارند.

پیشنهاده‌ها

■ پاسخ اجمالی:

۱. در این شبهه چنان از «عناصر حکومت پیامبر» سخن رفته که هرکس نداند گمان می‌کند که نظام سیاسی حکومت پیامبر، مانند نظام‌های سیاسی مدرن بوده است. حکومت پیامبر یک نظام ساده سیاسی بر محوریت شخص پیامبر است و همه افراد جامعه، بدون وجود پست‌ها، سمت‌ها و نقش‌های خاص سیاسی و انتظامی، در اجرای احکام مشارکت دارند. در آن زمان نیروهای نظامی و انتظامی با عنوان و مختصات امروزمین وجود نداشته است. اساساً امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه مردم بوده و زمینه پذیرش اجتماعی هم وجود داشته است. (توبه: ۷۱) به ویژه که پیامبر در دوره مدینه در حال جامعه‌سازی و شکل‌دادن ابتدایی نظام سیاسی اسلامی است و حکومت ایشان به مرحله کامل نهادسازی سیاسی نرسیده است. بنابر این تطبیق دوران ما بر دوران آن حضرت و نیز بی‌توجهی به اقتضائات مکانی، زمانی و دیگر مختصات اجتماعی،

گمراهی ذهن در توصیف، تحلیل و تبیین قوانین اجتماعی را موجب می‌شود.

۲. این نکته بر همه عاقلان منصف، چه رسد به متفکران و اهل دانش، پوشیده نیست که زمان و مکان و شرایط حکمرانی پیامبر و امام امیرالمؤمنین علیهما السلام با زمان ما بسیار متفاوت است. اگر درباره شیوه حکمرانی آن حضرات گزارشی از الزام به حجاب به ما نرسیده اولاً گزارش‌نشدن، دلیلی بر نبودن چنان الزام‌هایی نیست. ثانیاً در آن زمان و آن جوامع، نظام اجتماعی بر اساس نظم قبائلی مبتنی بوده و بسیاری از قوانین و قواعد شرعی و اجتماعی توسط قبیله و عشیره اجرا و کنترل می‌شده و به ورود حکومت نیاز نبوده است. ثالثاً تنوع و تکثر لباس‌ها، آرایش‌ها، جلوه‌گری‌ها و به ویژه وجود ابزارهای رسانه‌ای تصویری گسترده در دست همه شهروندان امروزی در آن زمان وجود نداشته است. در آن زمان و مکان‌ها، بی‌حجابی یک زن ممکن بود بر شمار اندکی از مردان تأثیر گذاشته و مفسده ایجاد کند؛ به خصوص که اکثر زنان از قشر فقرا بوده و بی‌حجابی آنان مفسده گسترده‌ای ایجاد نمی‌کرده است. رابعاً در عصر پیامبر و امام علی علیهما السلام ایمان و التزام اکثر مردم به ظواهر اسلامی بسیار زیاد بوده و بدپوششی آنقدر شیوع نداشته که به یک معضل اجتماعی تبدیل شده و مستلزم ورود حکومت باشد. خامساً در عصر پیامبر پوشش شرعی در اواخر دوران مدینه واجب شده و زنان مسلمان خودشان بدون الزام حکومتی، پوشش را رعایت می‌کرده‌اند و با کسانی هم که در این باره کوتاهی می‌کردند، به سبب تازگی حکم، مدارا می‌شده است. در دوران حکومت امام علی علیه السلام همه فرصت‌ها و ظرفیت‌های حکومت امام صرف مقابله و جنگ با اهل جمل و صفین و نهروان شد و امام اصلاً فرصتی برای نظام‌سازی پیدا نکرد. شاید اگر فرصتی پدید می‌آمد و امام با فراغت می‌توانست نظریه سیاسی و مدل‌های حکمرانی خود را پیاده سازد، امروز

بهتر و روشن تر می توانستیم دیدگاه ایشان درباره الزام قانونی پوشش زنان را بررسی کنیم.

۳. روایاتی که در مورد زنان روستایی و بادیه نشینان صدر اسلام وارد شده، به درستی معنا نشده و برداشت شبهه کننده، با قرائن درون متنی و برون متنی این روایات مخالف است. مثلاً در روایتی عباد بن ثعبان از امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می کند: «سمعت ابا عبد الله (علیه السلام) يقول: «لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ إِلَى رُؤُوسِ أَهْلِ التَّهَامَةِ وَالْأَعْرَابِ، وَ أَهْلِ السَّوَادِ، وَالْعُلُوجِ؛ لِأَنَّهُمْ إِذَا نُهُوا لَا يَنْتَهُونَ...»^۲». اولاً، این روایت راجع به حکم نظر مردان به این دسته زنان است، نه حکم چگونگی حجاب زنان؛ یعنی، به مردانی که با این زنان تعامل اجتماعی دارند، اجازه داده شده که به قدر ضرورت اجتماعی به این دسته از زنان نگاه کنند، اما به هیچ وجه به این دسته از زنان اجازه داده نشده که حجاب نداشته باشند؛ به بیان دیگر امثال این روایت اساساً در مقام بیان مقدار شرعی حجاب و میزان لازم پوشش سر زنان نیست؛ بلکه در مقام بیان چگونگی تعامل مردان عادی با این گروه از زنان بی مبالغه است. ثانیاً، برخلاف مدعای موجود در شبهه، این روایت به خوبی نشان می دهد که حجاب یک امر شرعی است؛ زیرا امام در ادامه توضیح می دهد: «لأنهم إذا نهوا لا ينتهون» یعنی این زنان به رعایت حجاب موظف اند؛ اما چون فعلاً امکان اصلاح رفتارشان وجود ندارد، در تعامل با آنان خود را به سختی نیندازید؛ ثالثاً امام صادق و امام باقر علیهما السلام در مقام حکومت نبوده و از خاستگاه حکم شرعی اولی فتوا داده اند.

۴. درباره پوشش کنیز روایات متفاوتی وجود دارد؛ اولاً، روایاتی که دارای سند صحیح است، پوشاندن سر بر کنیزان را ممنوع نمی داند؛ بلکه برخی از این روایات

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۲۴ و شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۲۰۶

تنها پوشاندن سر بر کنیز را غیرالزامی دانسته و از عدم وجوب پوشش سر سخن گفته است. برخی دیگر از روایات هم بیان می‌کند که پوشش سر کنیزان واجب نیست؛ مگر خود کنیز بخواهد. در مقام جمع بین این روایات می‌توان گفت که روایات دسته دوم، روایات دسته اول را قید می‌زند؛ یعنی پوشش سر کنیز واجب نیست؛ مگر اینکه خودش بخواهد. یعنی اگر خود کنیز بخواهد حجاب داشته باشد، شما هم باید بپذیرید که او حجابش را رعایت کند. ثانیاً، اغلب روایاتی که کنیزان را از پوشش سر منع می‌کند، روایاتی ضعف السند است. ثالثاً اگر در روایت معتبری به برداشتن حجاب سر کنیزان امر شده باشد، این «امر» بعد از «منع» یا «امر» «عقیب الحظر» یا «امر» در برابر «توهم حظر» است و تنها بر جواز برداشتن پوشش سر کنیزان دلالت می‌کند. بر همین اساس برخی از فقها قائل اند که پوشش سر برای کنیزان واجب نبوده و مستحب است. رابعاً، بحث مخالفت با حجاب کنیزان اقدامی متکی به رأی خلیفه دوم بوده و به احتمال قوی، روایاتی که برداشتن حجاب کنیزان را تجویز می‌کند، از روی تقیه صادر شده و غیرقابل استناد است. خامساً بر فرض پذیرش معاف بودن کنیزان از پوشش سر، ممکن است این حکم ناشی از عللی مختص کنیزان باشد که به هیچ یک از زنان آزاد امروز ربطی ندارد؛ خصوصاً اینکه در آن زمان بسیاری از کنیزان در امر فحشا به کار گرفته می‌شده‌اند.

۵. در ارتباط با حکم پوشش زنان سالخورده (قواعد) باید توجه داشت که عدم وجوب پوشش کامل شرعی بر آنان، مقید به آن است که سالخوردگی ایشان آنچنان باشد که از سوی مردان تمایلی به ازدواج و ارتباط زناشویی با ایشان نباشد: «و القواعد من النساء اللاتی لا یرجون نکاحا...»^۳ علاوه بر این برای همین زنان هم ارجح آن است که پوشش شرعی را رعایت کنند. ولی در هر صورت تبرج و نمایشگری بر آنان حرام است.

۶. از منظر منطق اجتهاد و فقاہت نمی‌توان به استناد نامعلوم بودن نوع پوشش بانوان شاخص جهان اسلام در دوران زندگی ایشان، پیش از ظهور اسلام، به عدم وجوب حجاب استدلال کرد. به بیان دیگر، به استناد نامعلوم بودن میزان پوشش و احتمالات نامتعارف درباره رفتار پیشین این بانوان، نمی‌توان حکم قطعی وجوب پوشش شرعی را انکار کرد؛ زیرا اولاً پوشیدگی امری فطری است و پوشش و پوشیدگی بانوان پیش از وجوب پوشش شرعی در اسلام، نیز متعارف بوده است. ثانیاً به هر حال بعد از ظهور اسلام، در آیات قرآن و روایات متعدد حکم وجوب پوشش بیان شده و این بانوان بزرگ به آن ملتزم بوده‌اند. ثالثاً پذیرش عدم رعایت پوشش، پیش از اسلام، در حقیقت به معنای پذیرش تأسیسی بودن حکم پوشش و شدت اهمیت آن در اسلام است و در این صورت این دلیل هم برخلاف مدعای شبهه‌کننده بوده و بر وجوب رعایت پوشش برای تمام زمان‌های پس از صدر اسلام دلالت می‌کند.

استناد به روایات بیانگر اقدامات و گفتار حضرت زهرا (سلام الله علیها) در واقعه جانسوز تعرض به حریم ولایت، از چند جهت قابل نقد است. اولاً این روایت دقیق و کامل نقل نشده است، ثانیاً روایت مورد استناد، از نظر سندی آن قدر محکم نیست که بتواند در برابر ادله متقن وجوب پوشش مقاومت کند. ثالثاً با خواندن کامل همین روایت، ادعای موجود در شبهه نقض می‌شود؛ زیرا روایت این ماجرا در منابع شیعی دلالت می‌کند که رعایت پوشش در انظار عمومی از نظر شرع اهمیت زیادی داشته و عدم رعایت آن گناه نابخشودنی است. اگرچه این واقعه در منابع روایی شیعه و اهل سنت مطرح شده؛ ولی در منابع شیعی، این ماجرا دقیق‌تر مطرح شده است. مثلاً در جلد هشتم کتاب کافی در صفحه ۲۳۷ آمده است: «... لَمَّا أُخْرِجَ بَعْلِي حَرَجْتُ فَاطِمَةً وَاضِعَةً قَمِيصَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَى رَأْسِهَا آخِذَةً بِيَدَيِ ابْنَيْهَا فَقَالَتْ مَا لِي وَ مَا لَكَ يَا أَبَا بَكْرٍ تُرِيدُ أَنْ تُؤْتِمَ

اِنْبَىٰ وَ تَزْمِلْنِي مِنْ زَوْجِي وَ اللّٰهُ لَوْ لَا اَنْ تَكُوْنَ سَيِّئَةً
لَّنَشَرْتُ شَعْرِي وَلَصَرَحْتُ اِلَى رَبِّي...»؛^۴ یعنی هنگامی که
علی (ع) را از خانه بیرون بردند، فاطمه (سلام الله علیها)
در حالی که پیراهن پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله
و سلم) را روی سرش گذاشته و دست حسنین (ع)
را گرفته بود (به دنبال امیر المومنین) بیرون آمد و
خطاب به ابوبکر فرمود: «مرا با تو چه کار؟! می خواهی
بچه هایم را یتیم و مرا بی شوهر کنی؟! به خدا سوگند!
اگر گناه نبود، مویم را پریشان کرده و به درگاه پروردگارم
فریاد می زدم!» در این روایت حضرت زهرا (سلام الله
علیها) جمله خود را با «لَوْ لَا» آغاز می کند؛ یعنی تعلیق
به امر محال می کند، که اگر گناه نابخشودنی نبود، مو
پریشان می کردم و در محضر پروردگار فریاد می زدم؛
یعنی، اگر کشف موی سر گناه نبود با موهایی افشانده
نفرین می کردم تا خدا میان ما داوری کند. چنین تعبیری
نشان می دهد که کشف موی زن معصیت است! به
این ترتیب بر اساس روایت فوق حضرت زهرا سلام الله
علیها، که واقعاً نمی خواست موی خود را پریشان کند
و بر اساس روایات دیگر، چنین کاری هم نکرد، تهدید کرد
و به همین خاطر هم کلام ایشان مؤثر واقع شد. مثل
این تعبیر در زبان فارسی هم وجود دارد. مثلاً گفته
می شود «اگر خودکشی حرام نبود، از دست تو خودم
را می کشتم!» علاوه بر این اگر مو پریشان کردن و عدم
رعایت پوشش در انظار عمومی تا این حد که در شبهه
آمده، عادی و متداول بوده، به هیچ وجه تهدید گزارش
شده، نمی توانست مؤثر باشد! هیچ انسان عاقلی
با وعده انجام یک اقدام عادی، بیمناک نشده و مورد
تهدید واقع نمی شود. بنابراین به هیچوجه با این روایت
نمی توان عدم وجوب پوشش یا اندک بودن اهمیت
آن را در انظار عمومی اثبات کرد. در روایات اهل سنت
هم این ماجرا اینگونه گزارش شده که حضرت فاطمه
زهرا (سلام الله علیها) تهدید می کند: می روم کنار قبر

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ چهارم،

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مو پریشان می‌کنم! با توجه به اینکه مرقد مطهر ایشان در حجره‌ای کوچک واقع شده بوده و در انظار عمومی نبوده، نمی‌توان گفت این تهدید، به معنای جواز کشف پوشش در انظار عمومی است!

۷. همچنین نباید از این نکته غفلت کرد که رفتار هیجانی و ناشی از فوران احساسات افراد عادی و مصیبت دیدگان ناآگاه، حتی در دوران صدر اسلام، هم نمی‌تواند مستند حکم شرعی واقع شود. مدارا با اینگونه رفتارها توسط مسلمانان یا سکوت اولیاء دین در برابر این رفتار، دلیلی بر عدم اهمیت پوشش شرعی نیست؛ زیرا چه بسا امکان تذکر لسانی و تنبہ دادن این افراد وجود نداشته و به همین علت نمی‌توان سکوت در برابر این رفتار را تقریر معصوم و دلیل شرعی بر مدعای یاد شده دانست. علاوه بر این اینگونه مداراها در حال حاضر نیز با وجود مجازات قانونی برای کشف پوشش شرعی جریان دارد. حتی اگر توصیه‌ای درباره مدارا کردن با چنان زنان مصیبت‌دیده‌ای از اولیا دین وارد شده باشد، دلیلی بر جواز کشف پوشش در شرایط عادی نیست.

۸. نکته مهم دیگر اینکه در صدر اسلام اغلب بانوان کمترین حضور را در محیط اجتماعی داشته و به این سبب نمی‌توان وضعیتی را که برخی از ایشان به احتمال زیاد در خانه و به دور از چشم نامحرمان داشته‌اند، مجوز و دلیلی برای عدم رعایت پوشش در انظار عمومی دانست. مثلاً نمی‌توان کیفیت سفارش شده‌ی دعا در خانه و به دور از چشم نامحرمان را قرینه‌ای بر عدم وجوب رعایت پوشش توسط زنان صدر اسلام و دلیلی بر عدم وجوب پوشش برای همه بانوان به شمار آورد. به این ترتیب مشاهده می‌شود که هیچ یک از دلایل یاد شده قابلیت استناد برای اثبات مدعای موجود در شبهه را ندارد. بنابراین، رعایت حجاب در انظار عمومی، که به موجب مقررات موضوعه نظیر تبصره ماده ۶۳۸ مبتنی بر ادله شرعی است، همچنان بر همگان لازم است.

■ منابعی جهت مطالعه بیشتر:

غلامی، علی، مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران (بررسی حقوقی- جامعه‌شناختی)، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

کریمی، حمید، سرّ مستور (نگاهی به مسئله پوشش زن و استعمار)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۸.

کریمی، حمید، زن و مرد تشابه، تساوی یا تناسب، مرکز نشر هاجر، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

برگزاری مناظره علمی با نویسنده، پاسخ مفصل فقهی - تاریخی - حقوقی به ادعاهای نویسنده، تهیه و انتشار مجموعه مقالات علمی درباره پوشش در زمان پیامبر امامان علیهم السلام.

برخورد متفاوت سید حسن نصرالله با زنان بی حجاب

شناسه شبهه

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: حجاب سیاسی

شبهه کننده: مهدی نصیری

منبع شبهه: سایت اقتصاد نیوز

<https://www.eghtesadnews.com>

هدف های احتمالی: اعتبارزدایی از قانون عمومی

حجاب، متهم ساختن نظام به سیاسی کاری و فریب.

نمایه ها: حجاب، حکم حجاب، مصادیق حکم جواز بی حجابی.

متن شبهه

چند سال پیش در سفری به لبنان، در موزه نظامی و جنگ ۳۳ روزه حزب الله با اسرائیل حضور یافتم و شاهد حضور بانوان بی حجاب و احیاناً کمی عریان بودم. از مسئول موزه پرسیدم برای ورود خانم های بی حجاب محدودیتی ندارید؟ گفت: ابد! سید حسن و حزب الله مانع حضور هیچ کس با هرپوششی در اینجا نمی شوند.

در هتل محل اقامت در بیروت هم، که متعلق به مؤسسه مرحوم آیت الله سید محمد حسین فضل الله (حامی حزب الله) بود، هیچ محدودیتی برای حضور بانوان بی حجاب وجود نداشت.

حزب الله لبنان تحت تأثیر آموزه ها و سلوک تربیتی آیت الله سید موسی صدر با تنوع عقیدتی و سبک زندگی در لبنان، به راحتی کنار آمده و در عین حال ظرف سال های اخیر بر تعداد محجبه های لبنانی، به خصوص در میان شیعیان، افزوده شده است.

در این میان پرسش قابل طرح از حزب الله ایران و

نظریه پردازان آن و اتاق فکر حجاب الزامی و اجباری این است که این دوگانگی بین ایران و لبنان را در حالی که حزب الله مرجع دینی و سیاسی خود را آیت الله خامنه‌ای می‌داند، چگونه توجیه می‌کنند؟

آیا حکم شرعی حجاب در این دو کشور متفاوت است؟ چطور سید حسن نصر الله می‌تواند حکم به آزادی حجاب در مؤسسات اختصاصی حزب الله بدهد و هرگز شیعیان لبنان را علیه زنان بی‌حجاب تحریک نکند، اما در ایران چنین امری غیرمجاز و نامشروع است و سال‌ها است که مسئله حجاب یکی از عوامل دوقطبی‌سازی و تشتت و تنفر اجتماعی در ایران شده است؟!

اگر شرایط و مصلحت ویژه‌ای عامل این مدارا و پذیرش تکثر سبک پوشش و زندگی در لبنان است، چرا در ایران چنین نباشد؟!

ادله و شواهد بسیاری بر سیاسی - و نه شرعی - بودن نحوه برخورد با مسئله حجاب در ایران است. اگر پای شرع در میان بود، حداقل نباید حجاب زنان اهل کتاب و اقلیت‌های دینی و نیز توریست‌ها و زنان مسنّ، اجباری بود. ضمن آن که باید با بی‌حجابی و شل‌حجابی در انتخابات‌ها و راهپیمایی‌ها و برخی تجمعات انقلابی نیز برخورد می‌شد و نه آن که بر عکس در گزارش‌های سیما به عنوان سندی بر حمایت اقشار گوناگون مردم از نظام منعکس می‌گشت!

متأسفانه بوی سیاسی کاری و محوریت قدرت و سلطه‌طلبی سیاسی و اجتماعی و سوژه‌سازی برای انحراف افکار عمومی از بحران‌های بسیار حادی که کشور با آن روبرو است، از این بساط گشت ارشاد و گسیل ون به میادین، متصاعد است! همین امر موجب انزجار بیش‌تر مردم و حتی قشر وسیعی از زنان کاملاً محجبه از این پروژه سرکوب و انحراف اذهان است و کاربرد مهم آن برای اقلیتی بسیار محدود است که نظام باید پیوسته مشته‌های گره‌کرده آنان را در دفاع از حکمرانی فشل و ناکارآمد و آغشته به انواع مفسد خود

بسته نگه دارد و به آنان چنین وانمود کند که با دغدغه دینی در حال ستیز با استکبار جهانی و عوامل داخلی آن هستیم!

پیشنهاد ها

■ پاسخ اجمالی:

۱. نکته اساسی در پاسخ به متن بالا این است که آیا رفتار سید حسن نصرالله، حزب الله لبنان و امام موسی صدر، منبع استنباط حکم شرعی و قانونگذاری در جمهوری اسلامی است؟! حتی اگر فرض کنیم که سید حسن نصرالله و امام موسی صدر هر دو مجتهد و صاحب فتوا بوده و رفتار آنان بر اساس نظرات فقهی آنان بوده و هست، باز هم نظرات آنان حجت فقهی و قانونی برای مسؤولان و شهروندان ایرانی نیست. هرکس کمترین آشنایی با روش اجتهاد فقهی داشته باشد، می‌داند که موضوع شرعی، علت حکم است و توجه به موضوع و قیودات آن، از جمله مکان، زمان، مخاطب و غیره در استنباط حکم شرعی و صدور فتوا لازم است. بر این اساس بسا موضوع به ظاهر یکسانی در مکان یا زمان خاصی، حکمی و در مکان و زمان دیگر، حکم دیگری داشته باشد. به نظر می‌رسد مقدمه چینی نویسنده، صرفاً با هدف نتیجه‌گیری غلط و غیرمنصفانه پایان متن نوشته شده باشد!

۲. مقایسه لبنان با ایران و رفتار حزب الله با رفتار مسؤولان ایران مقایسه‌ای نابه‌جا است؛ زیرا اساساً در لبنان، برخلاف جمهوری اسلامی ایران، دین و مذهب رسمی واحدی تعیین نشده و حتی شیعیان لبنان را نمی‌توان جمعیت اکثریت این کشور دانست. شیعیان لبنان و عناصر حزب الله به تحمل بی‌حجابی افراد غیرمسلمان و غیرشیعه مجبورند. بر اساس اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری» به عنوان «دین رسمی ایران» تعیین شده و «این اصل الی‌الابد غیر قابل تغییر است».

۳. در لبنان هیچ قانونی افراد بی‌حجاب را به حجاب ملزم نکرده است؛ علاوه بر این می‌توان حدس زد که اغلب این افراد، اهل کتاب یا سایر غیرمسلمانانی‌اند که اساساً دستورات اسلام را نپذیرفته‌اند؛ در حالی که در ایران اسلامی، قانون حجاب در اولین سال‌های پس از انقلاب تصویب و ابلاغ عمومی شد.

۴. از آنجا که کشور ما با اکثریت مسلمانان و استقرار حکومت اسلامی از لبنان متمایز است، اقلیت‌های دینی جزء «اهل ذمه» محسوب شده و به تبعیت از مقررات اسلامی مکلف و متعهداند. بنابراین اقلیت‌های دینی نمی‌توانند به بهانه تبعیت از مقررات مذهبی خودشان، قانون حجاب و سایر مقررات جاری کشور را نادیده گرفته و به صورت علنی برخلاف قوانین کشور رفتار کنند. همانگونه که اهل کتاب حق ندارند در فضای عمومی مشروب بنوشند؛ با اینکه برخی از آن‌ها بر اساس دین‌شان شرب خمر را جایز می‌دانند.

۵. مشکلات اقتصادی و یا ناتوانی مدیران اقتصادی مجوز بی‌حجابی نیست؛ چرا که وجوب شرعی حجاب بر زنان مسلمان امری اثبات شده است. علاوه بر این تبعات نامطلوب ناشی از بی‌حجابی و بدپوششی در انظار عمومی به اندازه کافی روشن است. به همین سبب حکومت اسلامی موظف است تمهیدات لازم برای حفظ حجاب در انظار عمومی را فراهم سازد. پس اصرار حاکمیت اسلامی بر رعایت حجاب را نمی‌توان نوعی تاکتیک برای منحرف‌ساختن اذهان از ناتوانی‌ها در عرصه اقتصادی و غیره دانست. به تعبیر بهتر، نمی‌توان مشکلات اقتصادی را توجیه‌قابل قبولی برای جواز بی‌حجابی و عدم رعایت حجاب در محیط اجتماعی تلقی کرد!

۶. آری! قابل‌انکار نیست که حکومت اسلامی و مردم دیندار و متعهد به ارزش‌های اسلامی همواره می‌بایست روش‌های خودشان در بسط معروف و مقابله با منکر را بر اساس ویژگی‌های مکانی، زمانی، مخاطبان و غیره

متحول کرده و بر شیوه‌های قدیمی و ناکارآمد اصرار نکنند. بهره‌بردن از دستاوردهای دانش‌های جدید مثل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، استفاده از بستر رسانه و پرداختن به ریشه‌های بسط معروف و حذف منکر، به جای تمرکز صرف بر معلول‌ها و پیامدها از امور اساسی در مقابله با آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی است.

■ منابعی برای مطالعه بیشتر:

۱. غلامی، علی، مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران (بررسی حقوقی- جامعه‌شناختی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
۲. ایروانی، جواد حجاب اجباری آری یا نه؟: تحلیل قرآنی - روایی حجاب شرعی و الزام حکومتی آن، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۹.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه و انتشار مجموعه مقالاتی درباره بررسی تطبیقی تفاوت‌های فرهنگی، جامعه‌شناختی و سیاسی پوشش در ایران و سایر کشورها به خصوص کشور لبنان،

نقدی بر قانون حجاب و پوشش زنان

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: قانون حجاب و پوشش زنان

شبهه کننده: عباس عبدی

منبع شبهه: انصاف نیوز

هدف های احتمالی: اعتبارزدایی از قانون حجاب

و پوشش زنان،

نمایه ها: حجاب، قانون حجاب، جرم

متن شبهه

ابتدا سه پرسش احتجاجی را با طرفداران اجرای این قانون طرح می‌کنم:

۱. آیا دوستانی که مدافع اجرای این قانون‌اند، در همه جا و در همه کشورها و در همه موارد؛ این قاعده را قبول دارند یا فقط در این مورد خاص، در ایران حساس بوده و به این استدلال، متوسل می‌شوند؟ مثلاً اگر فرانسوی‌ها منع حجاب را قانونی کنند، می‌پذیرند؟

۲. آیا همه قوانین کشور را مشمول این قاعده می‌دانند یا فقط در این مورد خاص، توصیه به اجرا می‌کنند؟ به عبارت دیگر مدافع حاکمیت قانون‌اند یا مدافع اجرای همین قانون خاص؟ روشن است که بسیاری از قوانین اگر اجرایی می‌شد، شرایط به کلی متفاوت می‌بود، ولی این دوستان در برابر آن سکوت می‌کنند! خودشان انواع تخلفات از قانون را به نام دفاع از ارزش‌ها و... دارند و هیچ کس هم مانع آنان نمی‌شود!

۳. بالاخره آیا همین قانون پوشش باید دقیق و مطابق قانون اجرا شود یا سلیقه‌ای انجام می‌شود؟ بدیهی است آنچه در عمل رخ می‌دهد، هیچ ربطی به تبصره قانونی پوشش زنان ندارد. در مقام اجرا يك مسأله

سلیقه‌ای است و اگر قرار باشد که قانون اجرا شود، به قول خود طرفداران این قانون، باید بیش از نیمی از زنان را مجازات کرد. در واقع اجرای هر قانونی مستلزم وجود حاکمیت قانون و استقلال قاضی است.

دو پاسخ کلی به ۳ پرسش فوق وجود دارد: اگر پاسخ هر سه مثبت است، ایرادی ندارد، این قانون را هم اجرا کنید، ولی اگر پاسخ به یک مورد منفی است که در اینجا پاسخ به هر سه مورد منفی است، پس چرا باید بر اجرای قانونی که اجرا نمی‌شود و برخوردهای سلیقه‌ای جایگزین آن شده، اصرار کرد؟!

فرض کنیم که پاسخ به هر سه مثبت است؛ در این صورت رفتار بیش از نیمی از زنان کشور، مشمول مجازات مقرر در قانون می‌شود. این چه قانونی است که حداقل نیمی از زنان کشور را مجرم تلقی می‌کند؟ قانون جزایی باید به گونه‌ای باشد که مرتکبان آن تعداد بسیار معدودی باشند و به ارتکاب آن نیز افتخار نکنند. از اینجا به این نکته می‌رسیم که پس مبنای قانون نویسی چیست؟ اگر شرع است، چرا همه امور شرعی دیگر مثل غیبت کردن، دروغ گفتن، ربا و دیگر موارد بسیار مهم را مجازات نمی‌کنند؟

یا چربی‌هایی جلوی نامحرم در محیط خانه را مجازات نمی‌کنید و حتی به صراحت تفکیک و مجاز می‌کنید؟ اگر نظم اجتماعی مبنای قانون مجازات است، در این صورت کاری که بیش از نیمی از زنان انجام می‌دهند و عرف جامعه نیز متعرض آنان نیست، چگونه می‌تواند ناقض نظم اجتماعی شود؟! پرسش‌های بنیادین دیگری نیز وجود دارد از جمله اینکه مرجعی که می‌تواند این قانون را تغییر دهد، کیست؟ کی تغییر خواهد کرد؟ آیا می‌توان یک قانون در حد پوشش را فراتر از زمان و مکان ثابت تصور کرد؟ پس اگر این قانون ابدی و ازلی است، باید توضیح داد که چرا اجرا نمی‌شود و به جای آن سلیقه اعمال می‌گردد؟ اگر قابل اصلاح است، باید گفت منطق وجود آن چیست؟ آیا کماکان آن مبنا و

منطق باقی مانده است؟ حرمت امامزاده را باید متولی آن حفظ کند. اگر خواهان حاکمیت و رعایت قانون از سوی مردم هستیم، باید قانون را متناسب با خواست و رضایت و منافع مردم نوشت؛ آنگاه بدون اجبار، اکثریت قاطع مردم آن را رعایت خواهند کرد و دچار این نوع مشکلات نیز نمی‌شویم!

پیشنهاده‌ها

■ پاسخ‌اجمالی:

۱. بر فرض اثبات اینکه نیمی از زنان کشور طبق قانون حجاب مجرم‌اند، رفتار اکثریت، مجوز نادیده گرفتن موازین شرعی و قانونی نیست. اساساً حاکمان جامعه اسلامی موظفند از ارتکاب حرام در انظار عمومی جلوگیری کنند. مبنای قانون حجاب، شرع است و ماده یاد شده بر قضاوت عرف، مبتنی نیست. به بیان دیگر، چنین تحلیلی بر فرض درستی آن، تنها در مجازات‌های عرفی و اعتبارات برساخته قانونگذار، قابل طرح است و در اعتبارات شرع و مجازات‌های مستند به شرع جایگاهی ندارد.

۲. ایراد اساسی نویسنده این است که متن ماده ۶۳۸، با دقت کافی ملاحظه نشده و یا نویسنده از آن بی‌اطلاع است. ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) به این صورت است: «ماده ۶۳۸- هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر، تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس عمل، دارای کیفر نیست، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار کند، فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد. تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از ۲,۰۰۰,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» به این ترتیب مجازات ارتکاب هر عمل حرام در انظار عمومی معین شده و یکی

از موارد، حبس از ده روز تا دو ماه و یا تا ۷۴ ضربه شلاق برای آن قابل اعمال است؛ اما مجازات بی‌حجابی در انظار عمومی، یکی از موارد حبس ده روزه تا دو ماهه و یا دویست هزار تا یک میلیون تومان خواهد بود. در واقع قانونگذار برای بی‌حجابی در انظار عمومی، مجازاتی سبک‌تر از مجازات ارتکاب سایر اعمال حرام را در نظر گرفته است. همچنین نویسنده توجه نکرده است که مجازات یاد شده به سبب «ارتکاب حرام در انظار عمومی» است، نه صرف ارتکاب حرام. بنابر این ارتکاب هیچ عمل حرامی، حتی بی‌حجابی در محیط خصوصی، چنین مجازاتی نخواهد داشت.

۳. قوانین کشورهای غیراسلامی، با توجه اقتضائات عرفی آن کشور نوشته می‌شود؛ درحالی که در جمهوری اسلامی ایران، بسیاری از مقررات، برگرفته از شرع یا در راستای پاسداشت از مقررات شرعی است. به این ترتیب قیاس قوانین ایران با این کشورها قیاس مع الفارق است. بنابر این نمی‌توان گفت اهمیت قوانین جمهوری اسلامی ایران با اهمیت قوانین کشور غیراسلامی مانند فرانسه یکسان است؛ بلکه با عنایت به نقش موازین شرعی در تصویب قوانین ایران، این قوانین نسبت به قوانین سایر کشورها اهمیت بسیار بیش‌تری خواهد داشت. با این وجود حتی در ممالک غیراسلامی مثل کشور فرانسه هم به صرف مخالفت مردم با یک ماده قانونی، قانونگذار اجازه نمی‌دهد که پیش از تغییر قانون، علناً از آن قانون تخلف شود یا آن عده قانون را نادیده بگیرند. به تعبیر دیگر حتی در کشورهای غیراسلامی هم با وجود عرفی بودن قوانین، تغییر قانون، مسیر مشخص و محدودی دارد. در هر صورت نمی‌توان با قیاس مع الفارق، مقررات شرعی در جمهوری اسلامی ایران را به مثابه مقررات عرفی سایر کشورها و یا حتی کم‌اهمیت‌تر از آن دانست.

۴. برخورد سلیقه‌ای مجریان قانون (بر فرض تحقق آن) مجوزی برای نادیده گرفتن احکام شرعی و قوانین

موضوعه نیست؛ همچنانکه حتی مقررات عرفی را نیز نمی‌توان با چنین بهانه‌هایی نادیده گرفت. به نظر می‌رسد در این موارد برای اصلاح اوضاع و احوال باید ساز و کاری برای اجرای درست قانون فراهم ساخت. در این راستا اقدامات اصحاب رسانه و فعالان عرصه‌های فرهنگی سهم به‌سزایی خواهد داشت.

■ معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

غلامی، علی، مسئله حجاب در جمهوری اسلامی ایران (بررسی حقوقی- جامعه‌شناختی)، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

کریمی، حمید، سرّ مستور (نگاهی به مسئله پوشش زن و استعمار)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۸.

کریمی، حمید، زن و مرد تشابه، تساوی یا تناسب، مرکز نشر هاجر، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱.

علمایی، نسیم، شبهات زنان در اسلام و پاسخ به آن، چاپ اول، ۱۳۹۹.

مجید، دهقان و محمد عشایری‌منفرد، حجاب‌پژوهی: پوشش زنان در زمان پیامبر (ص)، پژوهشکده زن و خانواده (وابسته به مرکز مدیریت و حوزه علمیه خواهران)، سال چاپ: ۱۴۰۰.

ایروانی، جواد، حجاب اجباری آری یا نه؟! تحلیل قرآنی - روایی حجاب شرعی و الزام حکومتی آن، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۹.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

تهیه موشن از مبانی فقهی و حقوقی الزام قانونی پوشش شرعی، مجموعه مقالات درباره بررسی‌های تطبیقی فرایند قانونگذاری در ایران برخی از کشورهای غربی مثل آلمان، فرانسه، انگلیس و آمریکا، برگزاری مناظره مکتوب و شفاهی متخصصان با نویسندگان شبهه.

حجاب اجباری از منظر دانش حقوق

شناسه شبهه

موضوع عام: حجاب

موضوع خاص: مبانی الزام به حجاب

شبهه‌کننده: احسان محمدرحیم‌نیا

منبع شبهه: انصاف نیوز

هدف‌های احتمالی: اعتبارزدایی از مبانی حقوقی

الزام به حجاب، ترویج مبانی حقوق سکولار.

نمایه‌ها: حجاب، حجاب اجباری، الزام به حجاب،

دانش حقوق.

متن شبهه

هدف و غایت اصلی علم حقوق ایجاد نظم اجتماعی و برقراری عدالت است که همچون دو بال پرنده در کنار یکدیگر قرار دارند. نظم اجتماعی به دنبال امنیت و آسایش برای همه آحاد جامعه است؛ به گونه‌ای که جامعه دچار تشنج و از هم گسستگی نگشته و آرامش و امنیت در جامعه برقرار گردد. نیز نظم اجتماعی در پی حفظ و حراست از ارزش‌های جامعه است و با قانون‌گذاری و تعیین ضمانت اجرا، از ارزش‌های مورد قبول و پراهمیت حفاظت می‌نمایند.

در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) [۱]، نداشتن حجاب شرعی (که به معنای پوشش کامل تمام بدن به جز قرص صورت و از نوک انگشت تا مچ دست است) در انظار عمومی را جرم تلقی کرده و برای آن مجازات تا هفتاد و چهار ضربه شلاق در نظر گرفته است.

۱. چهار سال پیش گزارشی با عنوان «عوامل مؤثر بر اجرایی شدن سیاست‌های حجاب و راهکارهای پیش‌رو» در مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شد که بیان می‌دارد:

«حجاب شرعی برای ۳۵ درصد از افراد جامعه ارزشمند است و تقریباً ۵۵ درصد از زنان حجاب عرفی را ارزشمند دانسته‌اند. درواقع نوعی حس و بی‌ رغبتی درخصوص حجاب شرعی در میان بخشی از افراد جامعه ایجاد شده است که موجب می‌شود آن‌ها بین دو گزینه حجاب عرفی و شرعی، حجاب عرفی را انتخاب کند.»

این گزارش که توسط مرجعی مهم و قابل استناد منتشر شده، بر این دلالت دارد که اکثریت جامعه، حجاب عرفی را انتخاب نموده و حجاب شرعی را هم اقلیت قابل اعتنایی پذیرفته‌اند و لذا هر دو گروه را نمی‌توان نادیده گرفت. در این حالت اجبارکردن به حجاب شرعی و جرم‌انگاری ترک آن برای اکثریت جامعه، آثار زیان باری دارد.

۲. دانش حقوق به دنبال ایجاد و حفظ نظم عمومی جامعه است. جرم‌انگاری ترک حجاب شرعی می‌تواند باعث تقابل و برخورد دو گروه از جامعه، که اعتقاد متفاوتی در زمینه حجاب دارند و هردو نیز از نصاب قابل توجهی برخوردارند، شود. اینگونه قاعده‌گذاری نه تنها به ایجاد نظم اجتماعی منجر نمی‌شود؛ بلکه به ضد خود تبدیل شده و همانگونه که در روزهای اخیر می‌بینیم، آسایش و آرامش و امنیت عمومی را مختل خواهد کرد.

۳. با جرم‌انگاری ترک حجاب شرعی و در حالی که به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس ۵۵ درصد زنان، به حجاب عرفی باور دارند، در واقع، اکثریت جامعه مجرم جلوه داده می‌شوند و برچسب جرم به آن‌ها چسبانده می‌شود و این امر از طرفی این قانون را تبدیل به یک قانون مرده می‌کند و از طرفی از اعتبار سایر قوانین جزایی می‌کاهد؛ زیرا زیرپا گذاشتن قوانین تبدیل به امری عادی می‌گردد و این در حالی است که قوانین جزایی باید با قاطعیت اجرا گردد و بازدارندگی آن پابرجا بماند.

۴. قوانین با وجود شدیدترین ضمانت اجراها فقط زمانی می‌توانند به خوبی اجرا شوند که قاطبه مردم با

آن همراهی و از آن حمایت کنند و در غیراین صورت، به قوانین مرده‌ای تبدیل می‌شوند که فقط روی کاغذ نوشته شده و صرفاً اسم قانون دارند. در این روزها دیده می‌شود حتی کسانی که به حجاب شرعی معتقدند از اجبار آن حمایت نمی‌کنند و لذا این قانون با توجه به آمار مرکز پژوهش‌های مجلس و سایر مشاهدات، از حمایت و همراهی اکثر مردم برخوردار نیست.

۵. در قانون‌گذاری متعادل و متوازن و منطقی در امور کیفری فقط مواردی مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرد که جزو ارزش‌های مهم جامعه تلقی گردد و نقض آن ارزش‌ها، وجدان و آرامش و نظم عمومی را مختل کند و در وضعیتی که حجاب شرعی (به کیفیتی که گفته شد) و طبق آمار، مورد پذیرش اکثریت جامعه قرار ندارد و جزو ارزش‌های آنان نیست، چرا باید مورد جرم‌انگاری واقع گردد؟!

۶. به لحاظ تجربه و اثر عملی نیز باید بررسی کرد که قانون اجبار حجاب شرعی که تقریباً چهل سال قدمت دارد به چه میزان توانسته است کارایی داشته و اثرگذاری آن از زمان وضع تا به امروز چه بوده است؟ با توجه به آمارهای مذکور این قانون نه تنها نتوانسته اثر هدف گرفته شده خود را جاری کند؛ بلکه به صورتی معکوس و علیه خود اثرگذار بوده است.

پیشنهاد ها

■ پاسخ اجمالی:

۱. حداقل انتظار از نوشته‌ای که بر اساس دانش حقوق به تحلیل مسائل می‌پردازد آن است که متن قانون در آن درست و دقیق بیان شود؛ حال پس از بیان خلاف واقع از ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در این نوشته به ظاهر تحلیلی، مدعای نویسندگان سست و بی‌بنیاد خواهد بود؛ زیرا برخلاف ادعای فوق، اساساً مجازات شلاق در تبصره ماده مورد استناد مطرح نشده است. ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات)،

پیش از اصلاحات اخیر به این صورت بود: «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود، که نفس عمل دارای کیفر نیست، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید، فقط تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد. تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» تبصره این ماده پس از اصلاحات جدید به صورت زیر در آمده است: «تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از ۲،۰۰۰،۰۰۰ تا ۱۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.» به این ترتیب مجازات بی‌حجابی در انظار عمومی یکی از موارد حبس ده روزه تا دو ماهه و یا دویست هزار تا یک میلیون تومان خواهد بود و به هیچ وجه مجازات شلاق ندارد. در واقع قانونگذار ارتکاب اعمال حرام در انظار عمومی را تفکیک کرده و برای بی‌حجابی مجازاتی سبک‌تر از ارتکاب سایر اعمال حرام در نظر گرفته است.

۲. اشکال دوم متن بالا این است که مقررات شرعی را به مثابه عرف در نظر گرفته و بر همین بنیان به تحلیل می‌پردازد؛ در حالی که اهمیت شرع، بسیار فراتر از عرف است؛ تا جایی که اعتبار قوانین و مقررات موضوعه منوط به عدم مخالفت آن با شرع است. این معنا در اصول ۷۲، ۸۵ و ۹۱ قانون اساسی مورد تأکید واقع شده است. در حالی که عرف به تنهایی اعتباری نداشته و اغلب در تشخیص موضوعات کارآیی دارد. در هر حال به هیچ وجه، عرف را نمی‌توان در برابر موازین شرعی قرار داده و با استناد به آن احکام شرعی را نادیده گرفت.

۳. وقتی دین و مذهب رسمی کشور معین شده و بر اساس موازین همین مذهب، اعمالی حرام شناخته شده و رفتار خلاف این موازین، پیروان این مذهب را آزرده می‌سازد، قانونگذار مکلف است به شکلی از

ارتکاب علنی چنین اعمالی در انظار عمومی پیشگیری کند. بر این اساس قانونگذار در ماده ۶۳۸ به جهت حفظ حرمت احکام شرعی، هررفتار خلاف شرع در ساحت اجتماع را مستحق مجازات دانسته است. با این اوصاف، وقتی فردی کارکرد عرف در تنظیم روابط حقوقی و وضع مقررات انسانی را می‌پذیرد، نمی‌تواند جایگاه شرع و موازین دینی را نادیده گرفته و اقدامات علنی خلاف شرع را با وجود ماده یاد شده، جرم نداند.

۴. اگر چه وضعیت جامعه نسبت به رعایت حجاب مطلوب نیست، ولی نمی‌توان وجود ماده مورد بحث را عامل تحقق این نابسامانی دانست. به تعبیر دیگر این سخن که وجود ماده یاد شده در وضعیت پوشش بانوان اثر معکوس داشته و موجب رواج بی‌حجابی شده، ادعای بدون دلیل و برخلاف تحلیل‌های کارشناسی است. بنابر این نمی‌توان به استناد چنین سخنی، اصلاح این ماده یا نسخ آن را اقدامی مؤثر برای اصلاح وضعیت موجود قلمداد نمود.

۵. اگر چه تبیین عقلانی و اقدامات فرهنگی برای اصلاح این وضعیت ضرورت دارد؛ اما تأثیر لغو جرم‌انگاری بی‌حجابی در اصلاح پوشش بانوان غیرمحبوبه به هیچ وجه با واقعیت‌های موجود و تحلیل‌های کارشناسانه هماهنگی ندارد. به تعبیر دیگر لغو جرم‌انگاری بی‌حجابی، خلاف موازین شرعی و علمی است.

■ معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

غلامی، علی، مسأله حجاب در جمهوری اسلامی ایران (بررسی حقوقی- جامعه‌شناختی)، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

کریمی، حمید، سرّ مستور (نگاهی به مسأله پوشش زن و استعمار)، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۸.

کریمی، حمید، زن و مرد تشابه، تساوی یا تناسب، مرکز نشر هاجر، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۱.

علمایی، نسیم، شبهات زنان در اسلام و پاسخ به آن، چاپ اول، ۱۳۹۹.

مجید، دهقان و محمد عشایری منفرد، حجاب پژوهی: پوشش زنان در زمان پیامبر (ص پژوهشکده زن و خانواده) وابسته به مرکز مدیریت و حوزه علمیه خواهران)، سال چاپ ۱۴۰۰.

ایروانی، جواد، حجاب اجباری آری یا نه؟ تحلیل قرآنی - روایی حجاب شرعی و الزام حکومتی آن، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۹.

■ ایده‌هایی برای مقابله:

برگزاری مناظره مکتوب و شفاهی با نویسندگان شبهه، تبیین مبانی و مدارک و حکمت‌های الزام قانونی پوشش شرعی برای بانوان، برگزاری دوره‌های فوق برنامه یا دروس رسمی آموزش قانون رفتارهای اجتماعی در مدارس، متناسب با سطوح تحصیلی دانش‌آموزان.